

بین‌الملل

سال هفتم • شماره ۳۹ • آذرماه ۱۴۰۰

مجله بین‌الملل خبرگزاری مهر

از قتل خاشقجی تا برکناری قرداحی



نگاه واقع‌گرایانه نسبت به مذاکرات برجام
پیام‌ها و پیامدهای عملیات هلی‌برن ایران برای منطقه و آمریکا
۳ سناریوی محتمل در ماجرای ترور نافرجام الکاظمی



- ۲..... رسوایی ارتش کاریکاتوری آمریکا توسط سپاه.....
- ۵..... پیام ها و پیامدهای عملیات هلی برن ایران برای منطقه و آمریکا.....
- ۶..... تصمیم راهبردی ایران مقابله با هر نوع تهدیدی است.....
- ۸..... نگاه واقع گرایانه نسبت به مذاکرات / اروپا کارگزار صادقی نیست.....
- ۹..... اصرار ایران برای ارائه تضمین از سوی آمریکا قابل درک است.....
- ۱۰..... قانون جدید انتخابات پارلمانی عراق چگونه بر نتایج اثر گذاشت؟.....
- ۱۳..... اوضاع ملتهد در «منطقه سبز» بغداد / مطالبات معترضان چیست؟.....
- ۱۵..... فتنه خارجی در عراق با حمله به منزل «کاظمی» / پروژه متهم سازی مقاومت.....
- ۱۷..... تغییر نقش سازمان ملل در عراق از نظارت تا قیمومیت.....
- ۱۹..... ۳ سناریوی محتمل در ماجرای ترور نافرجام «کاظمی».....
- ۲۰..... مداخله عربستان در انتخابات لبنان / حمایت از جعب برای فتنه انگیزی.....
- ۲۲..... جنگ سعودی علیه آزادی بیان از قتل خاشقجی تا تهدید قرداحی.....
- ۲۳..... تکرار مدل قطر در لبنان توسط عربستان سعودی.....
- ۲۵..... عربستان به دنبال ایجاد خلأ سیاسی و حق وتو در مسائل لبنان است.....

بین الملل

از قتل خاشقجی تا برکناری قرداحی



تقدیر از کرانه سبز به مدافعان حقوق بشر
یادمان به مصداق عدالت علی بن ابی طالب و ای منطقه و ایران
۳ سارینو محتمل در ماجرای ترور نافرجام کاظمی

● مدیر مسئول: محمد شجاعیان

● شورای سردبیری: حسین طاهری، مهدی عزیزی

● دبیر تحریریه: سمیه خمارباقی

● همکاران این شماره: رامین حسین آبادیان، سمیه خمارباقی، پیمان یزدانی و زهرا میرظفرجویان

شماره تماس: ۴۳۰۵۱۰۰۰ (۰۲۱)
آدرس: ایران، تهران، خیابان استاد
نجات الهی، کوچه بیمه، پلاک ۱۸
کد پستی: ۱۵۹۹۸۱۴۷۱۳

علاقه‌مندان می‌توانند مقالات و مطالب خود را
برای مجله بین الملل مهر ارسال کنند.



رسوایی ارتش کاریکاتوری آمریکا توسط سپاه

دنبال به مخاطره انداختن منافع و مصالح جمهوری اسلامی ایران بودند.

وی در ادامه نیز یادآور شد: از آنجایی که جمهوری اسلامی ایران هیچگاه به مخاطره افتادن منافع و مصالح خود توسط بیگانگان را برنتابیده است، بنابراین، نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در دریای عمان، اقدام آمریکا را بی پاسخ نگذاشتند. جمهوری اسلامی ایران از رهگذر عملیاتی که در دریای عمان انجام داد، اموال خود را بازپس گرفت. آمریکایی‌ها علیرغم برخورداری از امکانات و تجهیزات نظامی پیشرفته نتوانستند هیچ کاری در برابر نیروهای سپاه پاسداران انجام دهند.

این کارشناس ارشد مسائل منطقه تصریح کرد: به دلایل مختلف نظامی و امنیتی، شاید نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران نخواستند تا از تمامی ابعاد و زوایای اتفاقات دریای عمان رمزگشایی کنند زیرا ما در شرایط کنونی در حال یک جنگ نانوشته با ایالات متحده آمریکا هستیم. در جریان عملیات سپاه پاسداران در دریای عمان، آمریکایی‌ها متوجه شدند که جمهوری اسلامی ایران برای حفاظت و حراست از منافع و مصالح خود از هیچ اقدامی دریغ نمی‌کند. وی همچنین عنوان کرد: ما در جریان عملیات دریای عمان شاهد آن بودیم که یک بار دیگر تلاش‌های آمریکایی‌ها برای به مخاطره انداختن منافع و مصالح جمهوری اسلامی ایران با شکست مواجه شد. عملیات نیروهای سپاه یک بار دیگر به جهانیان ثابت کرد که هیمنه ایالات متحده آمریکا بلا منازع نیست. جمهوری اسلامی ایران نشان داد که چه در آسمان و چه در دریا از منافع و مصالح خود حراست می‌کند.

روز چهارشنبه ۱۲ آبان ایران از تلاش آمریکا برای یک دزدی دریایی و مقابله نیروهای سپاه پاسداران با این موضوع خبر داد. رسانه‌های داخلی گزارش دادند که آمریکا در یک دزدی دریایی، یک نفتکش را که حامل نفت صادراتی ایران بود در آب‌های دریای عمان مصادره کرد و با انتقال محموله نفت آن به یک نفتکش دیگر آن را به سوی مقصدی نامعلوم هدایت کرد.

همزمان نیروی دریایی سپاه با اجرای عملیات هلی‌برن بر روی عرشه نفتکش آن را به تصرف خود درآوردند و به سوی آب‌های سرزمینی ایران هدایت کردند. ساعاتی بعد، یک مقام وزارت دفاع آمریکا تأیید کرد که نیروهای ایرانی یک نفتکش را دریای عمان توقیف کرده است. با وجود این، این مقام آمریکایی مدعی شد که نیروهای آمریکایی فقط حادثه را تماشا کردند و با نیروهای سپاه پاسداران مقابله نکردند. ماجرای تلاش آمریکایی‌ها برای دزدیدن نفت ایران بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های جهان داشت و این موضوع در صدر اخبار فوری این رسانه‌ها قرار گرفت.

اقتدار نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مواجهه با دزدی دریایی آمریکایی‌ها علاوه بر بازتاب‌های سیاسی و رسانه‌ای متعددی که داشت در ابعاد منطقه‌ای چه در حوزه خلیج فارس و چه در حوزه غرب آسیا ظرفیت‌هایی را ایجاد می‌کند که تحلیلگران نگاه ویژه‌ای بر این مسئله داشته‌اند.

در همین راستا خبرگزاری مهر با همکاری رادیو گفت و گو در یک همکاری مشترک اقدام به برگزاری میزگرد تخصصی «ایران، منطقه و تغییر معادلات جهان» کردند. در این میزگرد، سیدرضا صدرالحسینی کارشناس ارشد منطقه، علیرضا داوودی کارشناس ارشد رسانه و مسائل راهبردی و محمد الیاسری تحلیلگر و کارشناس عراقی سخنانی را مطرح کردند که به آن می‌پردازیم.

سید رضا صدر الحسینی در جریان این نشست تخصصی تصریح کرد: آنچه که در دریای عمان اتفاق افتاد یک قدرتمندی دریایی توسط نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود. جمهوری اسلامی ایران در طول ۴۴ سال گذشته ثابت کرده است که هیچکس نتوانسته است منافع آن را به خطر بیندازد و تاوان آن را پس ندهد. آمریکایی‌ها نیز در دریای عمان به دنبال به مخاطره انداختن منافع و مصالح جمهوری اسلامی ایران بودند.

سید رضا صدر الحسینی در جریان این نشست تخصصی تصریح کرد: آنچه که در دریای عمان اتفاق افتاد یک قدرتمندی دریایی توسط نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود. جمهوری اسلامی ایران در طول ۴۴ سال گذشته ثابت کرده است که هیچکس نتوانسته است منافع آن را به خطر بیندازد و تاوان آن را پس ندهد. آمریکایی‌ها نیز در دریای عمان به



صدر الحسینی در ادامه اظهار داشت: اتفاقی که در دریای عمان رخ داد حقیقتاً بسیار افتخارآفرین بود. باید گفت که رسانه ملی در پوشش این رویداد عملکرد قابل قبولی داشت. حضور بسیار خوب و به موقع رسانه‌ها در این ماجرا کاملاً احساس شد. طبیعتاً دستاوردی که سپاه پاسداران در دریای عمان محقق کرد تأثیرات و پیامدهای بسیاری دارد. این اتفاق در روز ۳ آبان ماه رخ داد اما با توجه به اینکه ما در آستانه ورود به ۱۳ آبان (روز استکبار ستیزی) بودیم، ترجیح داده شد تا این رویداد با کمی تأخیر رسانه‌ای شود.

این کارشناس ارشد مسائل منطقه در ادامه اظهارات خود تصریح کرد: می‌توانیم بگوییم که «میدان» یک بار دیگر به کمک «دیپلماسی» آمد و دست دیپلماسی را پُر کرد. اکنون دیپلماسی می‌تواند با صدای بلند و رسا منافع و مصالح جمهوری اسلامی ایران را در جریان مذاکرات هسته‌ای از کشورهای اروپایی مطالبه کند. پیامدهای این رویداد بزرگ به گونه‌ای بود که حتی خود آمریکایی‌ها و متحدان اروپایی‌شان را نیز تحت تأثیر قرار داد.

صدر الحسینی در خصوص تأثیر عملیات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بر فرایند مذاکرات هسته‌ای که قرار است از آذرماه از سر گرفته شود نیز یادآور شد: عملیات اقتدارآفرین سپاه پاسداران، مذاکره کنندگان را با اعتماد به نفس روانه وین می‌کند. اکنون مذاکره کنندگان جمهوری اسلامی ایران می‌توانند با دست پُر در مذاکرات شرکت کنند. ما در جریان عملیات اقتدارآفرین سپاه پاسداران یک بار دیگر هماهنگی و همگرایی میان «میدان» و «دیپلماسی» را مشاهده کردیم.

وی عنوان کرد: آمریکایی‌ها در برابر جمهوری اسلامی ایران متحمل یک شکست دریایی شدند. این شکست در حوزه‌های مختلف موجب شد تا حتی استراتژیست‌های آمریکایی نیز سخن از افول قدرت واشنگتن به زبان آورند. اتفاقات چند سال اخیر نشان دهنده افول قدرت ایالات متحده آمریکا است. عملیات سپاه پاسداران در دریای عمان نیز یک بار دیگر از چهره ارتش کاریکاتوری آمریکا پرده برداشت. این حادثه نزد افکار عمومی برای آمریکایی‌ها بسیار گران تمام شد.

صدر الحسینی افزود: اقدام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در دریای عمان دارای تبعات و پیامدهای منطقه‌ای نیز بود. پس از عملیات سپاه پاسداران قطعاً روند عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی توسط کشورهای منطقه کند خواهد شد. بنابراین، کشورهای منطقه از میل و رغبت کمتری برای سوار شدن بر قطار عادی سازی روابط برخوردار خواهند بود.

کارشناس ارشد مسائل منطقه افزود: این واقعیت را نباید نادیده گرفت که جنگ امروز جنگ اراده‌ها است و نه جنگ اسلحه‌ها. وقتی شما می‌بینید که عربستان سعودی و تمامی متحدان منطقه‌ای و بین المللی آن با بهره‌مندی از تسلیحات و تجهیزات نظامی پیشرفته در طول ۷ سال گذشته موفق به تحقق هیچ دستاوردی در برابر یمنی‌ها نشده‌اند، این نشان می‌دهد که جنگ امروز جنگ اراده‌ها است.



وی ادامه داد: یمنی‌ها علیرغم اینکه در محاصره کامل قرار دارند اما در طول سالهای گذشته همواره قدرتمندتر شده اند. می‌خواهم به این مسأله اشاره کنم که عملیات سپاه در دریای عمان دارای تأثیرات معنوی نیز هست. این دستاورد بزرگ موجب تقویت اراده گروه‌های مقاومت در سراسر منطقه خواهد شد و عزم آنها برای مقابله با متجاوزان را بیش از پیش تقویت خواهد کرد. بنابراین، تمامی گروه‌های مقاومت در سراسر منطقه از ثمرات دستاورد بزرگ سپاه در دریای عمان بهره مند شدند.

در ادامه نشست، علیرضا داوودی کارشناس ارشد رسانه و مسائل راهبردی نیز به نکاتی اشاره کرد. وی گفت: پس از عملیات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در دریای عمان رسانه‌های بیگانه تلاش کردند تا در یک قالب خاص و به صورت واحد علیه تهران عمل کنند. آنچه که در دریای عمان رخ داد اتفاق کوچکی نبود. آنچه که رخ داد یک واقعه بسیار مهم هم در عرصه سیاسی و هم در عرصه رسانه‌ای بود.

این کارشناس ارشد مسائل راهبردی در ادامه افزود: رسانه‌های بیگانه و به ویژه رسانه‌های انگلیسی پس از اعلام خبر عملیات سپاه در دریای عمان یک سکوت ۵ تا ۶ ساعته را در پیش گرفتند. هدف اصلی و اساسی آنها از این سکوت، ایجاد یک خلأ بود. پس از این سکوت ۵ یا ۶ ساعته رسانه‌های مذکور پروژه کم اهمیت جلوه دادن اتفاقات دریای عمان را کلید زدند و اینگونه وانمود کردند که اساسا اتفاق خاصی رخ نداده است

وی عنوان کرد: این رسانه‌ها تمام تلاش خود را به کار بستند تا اینگونه به افکار عمومی القا کنند که هیچ اتفاقی رخ نداده است و ایران فضا را شلوغ کرده است. البته زمانی که آنها چنین القائاتی را انجام می‌دادند تصویر و یا فایل ویدئویی از عملیات سپاه در دست نبود. پس از انتشار تصاویر و فایل‌های ویدئویی، رسانه‌های بیگانه خط مشی جدیدی را در پیش گرفتند و تلاش کردند تا اصالت تصاویر منتشر شده را زیر سوال ببرند

علیرضا داوودی همچنین تصریح کرد: در واقع، رسانه‌های بیگانه تصور می‌کردند که می‌توانند تصاویر منتشر شده را نزد افکار عمومی خدشه دار سازند. در مرحله بعد نیز آنها مدعی شدند تصاویر منتشر شده در واقع تصاویر یک حادثه عادی دریایی محسوب می‌شود

وی در ادامه اظهارات خود یادآور شد: چیزی که در عرصه پوشش رسانه‌ای این وقایع و اتفاقات بزرگ اهمیت دارد، انتقال از مرحله واکنش به مرحله کنش است. نحوه پرداختن رسانه‌های ما به حادثه دریای عمان نشان داد که ما در حال ورود به مرحله کنش هستیم. در ماجرای تقابل دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با نیروهای آمریکایی در دریای عمان، زمان اعلام واقعه برای مخاطب اهمیتی نداشت بلکه اصل واقعه برای مخاطب حائز اهمیت بود.

این کارشناس ارشد مسائل راهبردی همچنین عنوان کرد: آنچه که حائز اهمیت به نظر می‌رسد، ایجاد مفاهیم اقتدار در مبانی حرکت رسانه است. اگر مفاهیم اقتدار در مبانی حرکت

رسانه ایجاد شود، آنگاه هرچقدر هم که بیگانگان و رسانه‌های وابسته به آنها برای خدشه دار ساختن اصل وقایع و رویدادها اقدام کنند، به نتیجه نمی‌رسند. باید به این مسأله نیز اشاره کنم که اقتدار جمهوری اسلامی ایران در کنار هوشمندی رسانه‌ها می‌تواند مخاطب را به طور کامل با خود همراه سازد.

محمد الیاسری تحلیلگر و کارشناس عراقی هم در نشست تخصصی «ایران، منطقه و تغییر معادلات جهان» تصریح کرد: واقعیت این است که اقدام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی علیه دزدی دریایی ایالات متحده آمریکا در دریای عمان بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها و نیز شبکه‌های اجتماعی عراق داشت

وی افزود: اقدام ایران علیه آمریکا در دریای عمان یک بار دیگر افول قدرت ایالات متحده آمریکا را به نمایش گذاشت. این اقدام نشان داد که افول روزافزون قدرت آمریکا، استنباط اشتباهی نیست.

الیاسری عنوان کرد: در واقع، باید بگوییم که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هیمنه آمریکایی‌ها را در هم شکست. آمریکا مادر دزدان دریایی است و سپاه ایران توانست شکست سختی را در دریای عمان به آن تحمیل کند.

کارشناس عراقی عنوان کرد: اقدام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در دریای عمان موجب تقویت روحیه گروه‌های مقاومت در سراسر منطقه شد. قطعا این اقدام تأثیر بسزایی در روحیه گروه‌های مقاومت در عراق خواهد داشت. بدون شک از این پس، گروه‌های عراقی با عزم و اراده بیشتری در مقایسه با گذشته برای اخراج نظامیان اشغالگر آمریکایی از خاک خود تلاش خواهند کرد





طلال عترسی تحلیلگر لبنانی:

پیام‌ها و پیامدهای عملیات هلی برن ایران برای منطقه و آمریکا



سمیه خمارباقی: روز چهارشنبه ۱۲ آبان تلویزیون

ایران از تلاش آمریکا برای یک دزدی دریایی و مقابله نیروهای سپاه پاسداران با این موضوع خبر داد. رسانه‌های داخلی گزارش دادند که آمریکا در یک دزدی دریایی، یک نفتکش را که حامل نفت صادراتی ایران بود در آب‌های دریای عمان مصادره کرد و با انتقال محموله نفت آن به یک نفتکش دیگر آن را به سوی مقصدی نامعلوم هدایت کرد.

همزمان نیروی دریایی سپاه با اجرای عملیات هلی برن بر روی عرشه نفتکش آن را به تصرف خود درآوردند و به سوی آب‌های سرزمینی ایران هدایت کردند. ساعاتی بعد، یک مقام وزارت دفاع آمریکا تأیید کرد که نیروهای ایرانی یک نفتکش را در دریای عمان توقیف کرده است. با وجود این، این مقام آمریکایی مدعی شد که نیروهای آمریکایی فقط حادثه را تماشا کردند و با نیروهای سپاه پاسداران مقابله نکردند. ماجرای تلاش آمریکایی‌ها برای دزدیدن نفت ایران بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های جهان داشت و این موضوع در صدر اخبار فوری این رسانه‌ها قرار گرفت. طلال عترسی تحلیلگر مسائل خاورمیانه و رئیس مرکز مطالعات سیاسی دانشگاه لبنان در گفتگو با خبرنگار مهر در این رابطه اظهار داشت: تقابل بین ایران و آمریکا در دریای عمان و عموماً در منطقه خلیج فارس، موضوع جدید و بی سابقه‌ای نیست و آمریکا تاکنون چندین بار برای دزدی دریایی و سیطره مستقیم بر نفتکش‌های ایرانی اقدام کرده است. هدف این تلاش‌های آمریکا و به ویژه حادثه اخیر این است که آمریکا اعتماد به توان این کشور را پس از خروج از افغانستان به کشورهای متحد خود بازگرداند. متحدان آمریکا پس از این خروج در حالتی از نگرانی به سر می‌برند و هراس دارند که این قدرتی که آنها به آن تکیه کرده‌اند، ممکن است در هر زمانی از منطقه خارج شود و آنها بدون هیچ گونه پشتیبانی در تقابل مستقیم با دشمنانشان قرار گیرند.

وی با بیان این مطلب افزود: به این علت، بخشی از عملیات اخیر در این چارچوب قابل تفسیر است که آمریکا تلاش کرد به متحدان خود در خلیج فارس بگوید ما همچنان به حمایت از شما و ضربه زدن به

ایران و شکست اراده ایران ادامه می‌دهیم. هدف دیگر این عملیات این بود که آمریکا تصور می‌کرد چون ایران اعلام کرده است اواخر این ماه به مذاکرات هسته‌ای باز می‌گردد و ضربه‌ای از آمریکا دریافت کرده است و در موقعیت ضعیف‌تری قرار دارد، شروط جدید را خواهد پذیرفت. عملاً این یک تهدید است که آمریکا در صورت نپذیرفتن شروط جدید هسته‌ای توسط ایران، به اقدامات نظامی علیه این کشور متوسل خواهد شد.

عترسی خاطر نشان کرد: اما آنچه اتفاق افتاد این بود که ایران همه این اهداف آمریکا را شکست داد. پاسخ ایران به این تلاش، غافلگیر کننده بود و مقابله با سیطره بر نفتکش و مداخله نظامی دریایی و آبی مستقیم و همچنین سکوت آمریکا و رسانه‌های آمریکایی در مقابل این عملیات و پاسخ ندادن به آن، نشان دهنده این است که دست ایران در این تقابل بالاتر بوده است.

این کارشناس مسائل منطقه افزود: نکته معنوی دیگر در این عملیات این است که ایران در روز مقابله با استکبار جهانی از این عملیات رونمایی کرد؛ روزی که سفارت آمریکا در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی به تصرف درآمد. از این رو اهداف آمریکا از این عملیات، شکست خورد و شکست دیگری برای این کشور ثبت شد که به جایگاهش در منطقه و اعتماد به این کشور و توان آن در قبال متحدانش ضربه زد. در مقابل، ایران به مذاکرات هسته‌ای خواهد رفت در حالی که در وضع بهتری قرار دارد و با تهدید به یک عملیات مستقیم مقابله کرده است و از این رو تیم مذاکره کننده ایرانی در وضع بهتری قرار دارد.

طلال عترسی درباره پیامدهای عملیات قهرمانانه ایران در منطقه اظهار داشت: بدون شک این عملیات پیامدهایی دارد؛ نخست اینکه پس از این عملیات کشورهای حاشیه خلیج فارس که خود را متحد آمریکا می‌دانند، احساس نگرانی بیشتری خواهند کرد و چه بسا این مسئله روند مذاکرات عربستان و ایران را سرعت خواهد بخشید. چرا که سرمایه گذاری عربستان بر روی حمله آمریکا به ایران و تضعیف ایران باعث شده بود این کشور تصور کند شرایط بهتری دارد و بر این اساس، در مذاکرات با ایران کند بود. احتمالاً ضربه‌ای که آمریکا از ایران در این عملیات دریافت کرده است باعث می‌شود مذاکرات عربستان و ایران سرعت گیرد و ریاض از خواسته‌های افراطی خود در این مذاکرات کوتاه بیاید.

بدون شک متحدان ایران در منطقه پس از این عملیات احساس قدرت بیشتری خواهند کرد و چه بسا این مسئله طرف‌های حاضر در مذاکرات وین را به سوی تحمیل نکردن شروط جدید و سرمایه گذاری نکردن بر روی تقابل نظامی و تهدید به آن سوق می‌دهد. به این معنا که احتمال زیادی وجود دارد که تقابل اخیر، به سرعت گرفتن مذاکرات هسته‌ای در وین و عقبگرد همه تهدیدات نظامی منجر شود. به هر حال آنچه اتفاق افتاد باعث شد ایران دستاوردهای مثبتی در عرصه حضور در منطقه و مذاکرات پیش رو، تقابل با آمریکا و مذاکرات وین کسب کند و وضع ایران از گذشته بهتر خواهد بود.





امین حطیط استراتژیست لبنانی:

تصمیم راهبردی ایران مقابله با هر نوع تهدیدی است



رامین حسین آبادیان: مین حطیط ژنرال

بازنشسته و استراتژیست لبنانی در گفتگو با خبرنگار مهر درخصوص دزدی دریایی آمریکا در دریای عمان و عملیات قهرمانانه نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اظهار داشت: ایالات متحده آمریکا از رهگذر اقدامی که در دریای عمان انجام داد به دنبال امتحان توانمندی‌های نظامی جمهوری اسلامی ایران بود. در واقع، آمریکایی‌ها می‌خواستند متوجه شوند که جمهوری اسلامی ایران در هنگام مواجهه و رویارویی چه واکنشی را از خود به نمایش می‌گذارد.

این استراتژیست لبنانی در ادامه اظهارات خود افزود: آمریکایی‌ها در اتاق فکر خود نیز اینگونه برنامه‌ریزی کرده بودند که اگر در عرصه غارتگری دریایی موفق شوند، می‌توانند ۳ هدف را محقق سازند؛ اول اینکه واشنگتن پس از موفقیت در

عملیات دزدی دریایی به دنبال تشدید محاصره اقتصادی علیه ایران و جلوگیری از صادرات نفت آن بود. دوم اینکه آمریکا تلاش می‌کرد تا به ایران این پیام را مخابره کند که از آن قدرت‌مندتر است.

حطیط همچنین یادآور شد: سومین هدفی که ایالات متحده آمریکا از رهگذر اقدام مذکور دنبال می‌کرد این بود که به جمهوری اسلامی ایران بگوید که آب‌های خلیج فارس و نیز دریای عمان تحت سیطره کامل واشنگتن قرار دارند. با این حال، واکنش ایران موجب شد تا این اهداف از پیش طراحی شده آمریکایی‌ها با راهزنی دریایی محقق نشود.

این کارشناس لبنانی تصریح کرد: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای دفاع از خود یک عملیات هجومی را انجام داد. سپاه پاسداران در جریان این عملیات دستاوردهای نظامی و استراتژیکی را محقق ساخت. سپاه در واقع شکست‌هایی را در سطوح مختلف به واشنگتن تحمیل کرد. این یک شکست استراتژیک برای واشنگتن بود. در حقیقت، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی توانست نفت مسروقه را باز پس گیرد و قدرت خود را در برابر آمریکایی‌ها به نمایش بگذارد.

حطیط یادآور شد: فراتر از آن، عملیات بزرگ سپاه در دریای عمان نشان داد که در ایران یک تصمیم سیاسی و راهبردی وجود دارد و آن، این است که با هر گونه اقدام خصمانه بیگانگان و در رأس آنها آمریکایی‌ها به شدت و با سرعت برخورد می‌شود. این عملیات نشان داد که ایران همواره برای مقابله با هر گونه تهدیدی، از آمادگی کامل برخوردار است.





به نقاط مختلف ارسال می‌شوند. پیشتر دیدیم که این نفتکش‌ها به ونزوئلا، سوریه، لبنان و چین حرکت کردند.

حطیط تأکید کرد: بنابراین، آمریکایی‌ها تصمیم گرفتند تا برای جلوگیری از این صادرات نفت به عملیات سرقت و غارتگری دریایی روی آورند. با تمامی اینها، ورود سپاه پاسداران به ماجرا موجب شد تا آمریکایی‌ها به اهدافشان نرسند. سپاه با اقدام به موقع خود در دریای عمان این پیام را به آمریکایی‌ها مخابره کرد که نیروهای نظامی ایران برای مواجهه با هر گونه تهدید و یا اقدام خصمانه در اوج آمادگی به سر می‌برند.

این تحلیلگر لبنانی اظهار داشت: سپاه همچنین به آمریکایی‌ها این پیام را ارسال کرد که نیروهای ایرانی از نظامیان آمریکایی نمی‌هراسند و آماده‌اند تا در صورت لزوم حتی به صورت‌شان نیز سیلی بزنند. درست به همین دلیل است که ما معتقدیم اقدام نیروهای ایرانی یک شکست استراتژیک را به آمریکا تحمیل کردند و هیبت آن را در دریای عمان لگدمال کردند.

امین حطیط در پایان اظهارات خود نیز عنوان کرد: یک مسأله مهم دیگر نیز وجود دارد و آن، این است که عملیات بزرگ سپاه پاسداران در دریای عمان حامل یک پیام مهم برای کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس نیز بود. ایران با این عملیات به اعراب حاشیه خلیج فارس پیام داد: شما نمی‌توانید برای حمایت از خود و نیز رویارویی با ایران، به قدرت آمریکا تکیه کنید. در همین حال، اقدام سپاه متضمن پیامی برای رژیم صهیونیستی نیز بود. رژیم صهیونیستی پس از این عملیات به خوبی دریافت که ایران همواره آماده مقابله با تهدیدات است.

این استراتژیست لبنانی تصریح کرد: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی این پیام را به آمریکایی‌ها مخابره کرد که اجازه نمی‌دهد تا آب‌های خلیج فارس و دریای عمان تحت سیطره واشنگتن درآیند. در برابر ماجراجویی آمریکایی‌ها، این سپاه پاسداران بود که دست برتر را داشت و توانست بر نیروهای آمریکایی فائق آید. البته باید به این نکته نیز توجه داشت که آمریکایی‌ها از رهگذر سرقت نفت ایران به دنبال تشدید فشار اقتصادی علیه تهران و گسترده‌تر کردن ابعاد تروریسم اقتصادی علیه جمهوری اسلامی بودند.

وی عنوان کرد: آمریکایی‌ها خود به خوبی می‌دانند که جمهوری اسلامی ایران در طول چند دهه گذشته توانسته است تمامی تحریم‌های ضد ایرانی واشنگتن را دور بزند. علیرغم اینکه پیشتر ایالات متحده آمریکا تهدید کرده بود که صادرات نفت ایران را به صفر خواهد رساند، اما امروز نفتکش‌های ایران در برابر دیدگان جهانیان



MEHR NEWS AGENCY
RECEIVED



نادر انتصار استاد دانشگاه آلاباما:

نگاه واقع گرایانه نسبت به مذاکرات / اروپا کارگزار صادقی نیست



*** ایران تاکید می کند که گفتگوهای را ادامه خواهد داد که نتیجه محور باشند و حاضر نیست صرفاً برای مذاکره، مذاکره کند. چرا آمریکایی ها در طول مذاکرات گذشته به تاکتیک مذاکره برای مذاکره متوسل شده اند؟ آیا اساساً واشنگتن برای بازگشت به برجام جدی است؟**

به طور کلی دولت بایدن در عمل همان سیاست فشار حداکثری دولت ترامپ را در قبال ایران دنبال کرده است. آمریکا قصد ندارد به تعهدات خود ذیل توافق برجامی که در سال ۲۰۱۵ امضا کرده است به طور کامل عمل کند و دولت بایدن در این خصوص بسیار شفاف عمل کرده است. در نگاه دولت آمریکا برجام توافقی موقت است که با استفاده از آن می خواهد توان دفاعی و بازدارندگی متعارف ایران را تضعیف کند تا از این طریق ایران را به بازیگری درجه دو یا سه در منطقه خلیج فارس تبدیل کند. ایران باید توجه داشته باشد که این هدف آمریکا حتی در صورت بازگشت واشنگتن به برجام تغییر نخواهد کرد و هدفی است که حتی با تغییر دولت ها در کاخ سفید ثابت باقی خواهد ماند و صرفاً تاکتیک دولت های مختلف واشنگتن ممکن است در دستیابی به این هدف تغییر کند.

*** دولت بایدن قصد ندارد تا تضمین دهد که دولت این کشور دیگر به مانند ترامپ از توافق احتمالی آتی در خصوص برجام خارج نشود و حتی عده ای در واشنگتن اعلام داشته اند که هرگونه توافق دولت بایدن با ایران را از بین خواهند برد. تأثیر این مسئله بر روند مذاکرات وین چه می تواند باشد؟ اساساً چرا باید ایران به چنین مذاکرات و توافق احتمالی خوش بین باشد در حالی که این احتمال وجود دارد که کاخ سفید مجدداً به تعهدات خود پشت پا بزند؟**

اگر قرار است ایران به توافقی با آمریکا برسد باید این مسئله را در نظر داشته باشد که هر توافقی از منظر آمریکا در بهترین شرایط عمر مفید محدودی خواهد داشت. این درس است که ایران باید از تجربیات تلخ گذشته یاد گرفته باشد. هر گونه توافقی با آمریکا فاقد تضمین خواهد بود و فرقی هم نمی کند که توافق با چه دولتی در کاخ سفید صورت گیرد و دولت بایدن صراحتاً این را نشان داده است.

*** در چنین شرایط شکننده ای که هرگونه توافقی در معرض مرگ است، اروپا چه نقش سازنده ای می تواند بازی کند؟ اساساً آیا اروپا از استقلال کافی برای ایفای نقش سازنده جهت تضمین هرگونه توافق احتمالی برخوردار است؟ یا اینکه باز مانند دوره خروج ترامپ از برجام منفعلانه عمل خواهد کرد؟**

اروپا بازیگری مستقل در مذاکرات وین نیست و ایران نباید در خصوص نقش اروپا و مؤثر بودن اروپا در دور بعدی مذاکرات و هر مذاکره دیگری دچار اشتباه شود. در بهترین شرایط اروپا صرفاً یک تسهیل کننده مذاکرات خواهد بود و حتی یک کارگزار صادق نیست.

بینان یزدانی: ایران و طرف های دیگر برجام از

۸ آذر، بار دیگر گفتگوهای وین را از سر می گیرند- مذاکراتی که به گفته تهران روی «حرف زدن محض» تمرکز نخواهد داشت و هدف از آن حصول توافقی ملموس و در راستای تأمین منافع متقابل است. همزمان، آمریکا به رغم ادعاهای مبنی بر تمایل برای بازگشت به برجام، همچنان با پافشاری بر رویکرد تحریمی خود، به سنگ اندازی در مسیر مذاکره ادامه می دهد و به صراحت می گوید احیای توافق ۲۰۱۵، مبنایی خواهد شد برای طرح سایر موضوعات نگران کننده!

با یادآوری مسئولیت آمریکا در بروز وضعیت کنونی برجام و نقش سکوت سه کشور اروپایی در زیاده خواهی واشنگتن، ایران می گوید اگرچه خواستار دستیابی به توافقی خوب است اما بی اعتمادی همچنان بر فضای مذاکره حاکم است و همین امر دلیلی خواهد بود برای اینکه ایران از طرف مقابل تضمین بگیرد و به دنبال راستی آزمایی وعده ها باشد. ایران مخالف مذاکره برای مذاکره است و معتقد است مذاکرات به دور از تعیین پیش شرط و روند فرسایشی شدن، باید نتایج ملموسی به همراه داشته باشد.

با توجه به از سرگیری مذاکرات و دوام اختلاف هایی که میان طرفین است، خبرنگار مهر گفتگویی را با نادر انتصار رئیس دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آلاباما جنوبی انجام داده است که مشروح آن در ادامه می آید:

*** ایران و طرف های دیگر برجام توافق کرده اند تا مذاکرات وین برای از سرگیری برجام را از ۲۹ نوامبر مجدداً آغاز کنند. ارزیابی شما در این خصوص چیست؟**

ایران از قبل اعلام کرده بود که دولت جدید بعد از استقرار و کسب آمادگی های لازم مذاکرات وین را از سر خواهد گرفت. داشتن نگاه واقع گرایانه نسبت به مذاکرات و نتایج آن ضروری است و نباید نتایجی تخیلی از مذاکرات پیش رو را انتظار داشت.



شیرین هانتر عضو شورای روابط خارجی آمریکا:

اصرار ایران برای ارائه تضمین از سوی آمریکا قابل درک است



زهرا میرزافرجویان: ایران و طرف‌های دیگر برجام از ۸ آذر، بار دیگر گفتگوهای وین را از سر می‌گیرند- مذاکراتی که به گفته تهران روی «حرف زدن محض» تمرکز نخواهد داشت و هدف از آن حصول توافقی ملموس و در راستای تأمین منافع متقابل است. همزمان، آمریکا به رغم ادعاهای مبنی بر تمایل برای بازگشت به برجام، همچنان با پافشاری بر رویکرد تحریمی خود، به سنگ اندازی در مسیر مذاکره ادامه می‌دهد و به صراحت می‌گوید احیای توافق ۲۰۱۵، مبنایی خواهد شد برای طرح سایر موضوعات نگران‌کننده!

با یادآوری مسئولیت آمریکا در بروز وضعیت کنونی برجام و نقش سکوت سه کشور اروپایی در زیاده‌خواهی واشنگتن، ایران می‌گوید اگرچه خواستار دستیابی به توافقی خوب است اما بی‌اعتمادی همچنان بر فضای مذاکره حاکم است و همین امر دلیلی خواهد بود برای اینکه ایران از طرف مقابل تضمین بگیرد و به دنبال راستی آزمایی وعده‌ها باشد.

ایران مخالف مذاکره برای مذاکره است و معتقد است مذاکرات به دور از تعیین پیش شرط و روند فرسایشی شدن، باید نتایج ملموسی به همراه داشته باشد در همین راستا شیرین هانتر عضو شورای روابط خارجی آمریکا و استاد دانشگاه جورج تاون کلمبیا در گفتگویی با خبرنگار مهر به جزئیات مذاکرات احتمالی پیش رو پرداخت. هانتر توافق ایران و طرف‌های دیگر برجام برای از سرگیری مذاکرات وین را گامی مثبت خوانده و در عین حال تأکید کرد که موفقیت مذاکرات بستگی به عوامل مختلف دارد به ویژه به اراده طرفین برای دستیابی به مصالحه

وی همچنین در خصوص پافشاری ایران بر این نکته که مذاکرات باید نتیجه محور باشد و مذاکره برای مذاکره را نخواهد پذیرفت گفت: پر واضح است که مذاکره برای مذاکره مثرم ثمر نخواهد بود و هرگونه مذاکره‌ای باید منتهی به نتیجه شود.

هانتر در عین حال گفت مشکل اینجا است که ایران و آمریکا انتظاری که از نتایج مذاکرات دارند متفاوت است و تا زمانی که اختلافات کم نشوند نمی‌توان انتظار موفقیت مذاکرات را داشت.

وی در خصوص ندادن تضمین از سوی دولت آمریکا به ایران مبنی بر عدم خروج مجدد واشنگتن از هرگونه توافق احتمالی و پافشاری ایران بر ارائه چنین تضمینی از سوی دولت بایستن گفت مشکل این است که دولت بایدن نمی‌تواند دولت‌های بعدی آمریکا را به تصمیم دولت خودش متعهد کند و حتی اگر بایدن برای دوره ریاست جمهوری خودش به ایران تضمین دهد، دولت‌های بعدی آمریکا می‌توانند از تعهدات خود طفره برونند. هانتر با تأیید این نکته که تجربیات ایران در گذشته اصرار ایران بر ارائه ضمانت از سوی آمریکا را قابل درک می‌کند، گفت: پافشاری بر این نکته شانس دستیابی به توافق را کاهش می‌دهد.

وی در ادامه با اشاره به نقش ضعیف اروپا در مذاکرات و ناتوانی اروپایی‌ها در جبران خسارات ناشی از خروج ترامپ از برجام و اینکه آیا در مذاکرات آتی وین هم اروپایی‌ها مانند گذشته منفعلانه عمل خواهند کرد یا خیر گفت: همانطور که تجربیات ایران در گذشته و در دوره ترامپ نشان داده اروپایی‌ها قادر نیستند برای رفع تحریم‌های ایران کاری بکنند و هرگز علیه تحریم‌های آمریکا علیه ایران موضع‌گیری نخواهند کرد.

وی در تشریح علت ناتوانی اروپایی‌ها در این خصوص گفت: آنها قادر نیستند با تحریم‌های آمریکا مخالفت کنند زیرا چنین اقدامی تأثیر منفی زیادی بر اقتصاد خود اروپایی‌ها و منافع استراتژیک آنها خواهد داشت.

هانتر گفت صرف نظر از اینکه بسیاری از اروپایی‌ها از منظر آمریکا به ایران نگاه می‌کنند، تصریح کرد: واقعیت امر این است که تلاش‌های بایدن برای بهبود همکاری‌های دو طرف اقیانوس اطلس موجب شده است تا مخالفت با سیاست‌های تحریمی آمریکا علیه ایران برای اروپا حتی سخت‌تر از گذشته شود.



در میزگرد تخصصی مهر مطرح شد؛

قانون جدید انتخابات پارلمانی عراق چگونه بر نتایج اثر گذاشت؟



MEHR NEWS AGENCY
Ali Haddadi Asl

به این مسأله اشاره کنم که تحولات عراق از تحولات دیگر کشورهای منطقه جدا نیست. المؤمن یادآور شد: این بدان معناست که آنچه که در عراق می‌گذرد به ایران، سوریه، یمن و بحرین ارتباط مستقیم پیدا می‌کند. انتخابات پارلمانی زود هنگام عراق نیز نمونه‌ای از سلسله تحولاتی است که در منطقه رخ داده است. پیش از برگزاری انتخابات مذکور هجده حزب و احزاب و جریان‌های حامی این گروه‌ها انجام شد. دولت‌های فرقه گرای نظیر ایالات متحده آمریکا، عربستان، ترکیه و نیز دولت‌های غربی تلاش کردند عراق را تضعیف کنند تا بدین ترتیب، محور مقاومت تضعیف شود. وی گفت: در مرحله پیش از برگزاری انتخابات و در جریان آن، هجده وسیعی علیه ائتلاف «دولت قانون» و گروه مقاومتی «حشد شعبی» انجام شد. یکی از اهداف اصلی و اساسی این هجده گسترده تضعیف گفتمان جمهوری اسلامی ایران بود. این هجده شاکله کلی مقاومت در عراق را تحت تأثیر قرار داد. نمی‌توان این مسأله را انکار کرد که در نتیجه هجده‌های مذکور، مقاومت متحمل برخی زیان‌ها شد.

رئیس مرکز تحقیقات راهبردی مشرق عربی عنوان کرد: یکی از خسارت‌های مقاومت در نتیجه هجده‌های مذکور، از دست دادن کرسی‌های پارلمانی بود. البته نباید از سو مدیریت‌های سران و رهبران گروه‌های حامی مقاومت در از دست رفتن کرسی‌های مذکور به راحتی عبور کرد. به نظر من رفتارهای برخی رهبران گروه‌های حامی مقاومت با ماهیت قانون انتخابات سازگاری نداشت. به عنوان نمونه، گروه‌های حامی مقاومت در هر حوزه انتخاباتی بیش از یک نفر را به عنوان نامزد معرفی کردند و همین مسأله موجب شکسته شدن آرا آنها شد.

پرامین حسین آبادیان: در حالی که چند هفته از برگزاری انتخابات پارلمانی عراق و اعلام نتایج آن سپری می‌شود، نقاط مختلف این کشور همچنان شاهد برگزاری تظاهرات مردمی است. معترضان معتقدند که باید ضمن بازشماری آرا مأخوذه در نتیجه انتخابات تجدیدنظر صورت پذیرد. در همین راستا، کمیته سازماندهی تظاهرات علیه نتایج انتخابات پارلمانی عراق با صدور بیانیه‌ای، برای کمیساریای عالی انتخابات عراق ضرب الاجل تعیین کرد. کمیته سازماندهی تظاهرات علیه نتایج انتخابات پارلمانی عراق در بیانیه مذکور اعلام کرده است: «تنها ۷۲ ساعت به کمیساریای عالی انتخابات برای بازگرداندن آرا مسروقه مردم فرصت می‌دهیم». در این میان، شورای کمیساریای عالی انتخابات هم بازشماری دستی آرای شهروندان عراقی در استان‌های مختلف این کشور را نپذیرفته است. این درحالی است که کمیساریای عالی انتخابات وقوع ۷ تخلف در جریان برگزاری انتخابات پارلمانی را تأیید کرده بود.

در همین راستا، شورای کمیساریای عالی انتخابات عراق اعلام کرده است که به جز چند شعبه اخذ رأی در کرکوک، بازشماری آرا در هیچیک از شعب اخذ رأی در استان‌های مختلف انجام نخواهد شد. اصرار کمیساریای عالی انتخابات عراق بر عدم بازشماری دستی آرا مردمی موجب تشدید اعتراضات به نتایج انتخابات شده است به ویژه اینکه چند روز پیش «مصطفی الکاملی» نخست وزیر عراق با انتشار یک پست توئیتری خطاب به مردم و سیاستمداران عراقی اعلام کرد: «انتخابات سالم بود؛ باید از گذشته درس بگیریم و اختلافات را کنار بگذاریم».

در همین حال، جناح‌های معترض به نتایج انتخابات در جلسه‌ای که در منزل «نوری المالکی» رئیس ائتلاف دولت قانون تشکیل دادند، بار دیگر خواستار شمارش دستی آرا شدند. سران احزاب و ائتلاف‌های دولت قانون، النصر، جریان حکمت ملی و سایر جناح‌های عضو اتاق هماهنگی احزاب شیعی در کنار ائتلاف عزم به ریاست «خمیس الخنجر» و اتحادیه ملی کردستان به نتایج انتخابات معترض و خواستار شمارش آرا به صورت دستی هستند. در همین ارتباط خبرگزاری مهر نشستی را با حضور «علی المومن» رئیس مرکز تحقیقات راهبردی مشرق عربی برگزار کرد که مشروح آن را مطالعه می‌کنید.

رئیس مرکز تحقیقات راهبردی مشرق عربی در ابتدای سخنان خود گفت: نمی‌توان تحولات عراق را خارج از چارچوب تحولات منطقه مورد بررسی و ارزیابی قرار داد زیرا آنچه که در عراق می‌گذرد از آنچه که در منطقه جریان دارد، جدا نیست. برخی تلاش می‌کنند تا اینگونه القا کنند که ما نسبت به شیعیان در عراق، لبنان، سوریه، یمن و بحرین حساسیت داریم؛ این درحالی است که حساسیت ما عمدتاً در قبال محور مقاومت در سراسر منطقه است.

وی افزود: برخی تصور می‌کنند زمانی که ما از محور مقاومت سخن به میان می‌آوریم مقصودمان مقاومت شیعی است. این درحالی است که ما در فلسطین با مقاومتی مواجه هستیم که اساساً شیعی نیست. علیرغم اینکه اهل تسنن، مقاومت فلسطین را تشکیل می‌دهند اما آنها نیز جزئی از محور مقاومت در سراسر منطقه هستند. به هر حال، می‌خواهم



است. این حقیقتاً باعث تأسف آور است. در رابطه با تشکیل دولت جدید نیز همانطور که پیشتر اشاره کردم، این مهم تنها از رهگذر توافق و تفاهم میان ائتلاف دولت قانون به رهبری نوری المالکی و جریان صدر به رهبری مقتدی صدر امکان پذیر خواهد بود. دو طرف هیچ ائتلافی را با یکدیگر تشکیل نخواهند داد اما برای تشکیل دولت جدید ناگزیر به تفاهم با یکدیگر هستند.

رئیس مرکز تحقیقات راهبردی مشرق عربی در ادامه سخنان خود به تشریح مواضعش در خصوص تقلب در انتخابات پارلمانی عراق پرداخت و گفت: ما معتقدیم که تقلب در انتخابات پارلمانی در دو سطح «ساختار فنی» و «عملکرد میدانی احزاب» اتفاق افتاده است. به عنوان نمونه، برخی احزاب با اعمال فشار به مردم تلاش کردند تا آنها را به رأی دادن به حزب و یا جریانی خاص وادار کنند. این خود یک نوع تقلب محسوب می‌شود.

المؤمن تصریح کرد: موضوع دیگری که بدان اشاره کردم «ساختار فنی» بود که تقلب در انتخابات را میسر کرد. این مسأله به سرورهای انتخابات مرتبط است. سیستم الکترونیکی برگزاری انتخابات را یک شرکت اسپانیایی طراحی کرد و خود این شرکت نیز هنوز هم بر بُعد فنی آن نظارت دارد. برخی سرورها نیز در امارات مستقر شدند. از همین روی، پر واضح است که تقلب در انتخابات از داخل سرورها کاملاً امکانپذیر است.

وی یاد آور شد: معترضان به نتایج انتخابات پارلمانی اسنادی در اختیار دارند که نشان می‌دهد در انتخابات تقلب صورت گرفته است. در خصوص تقلب فنی در انتخابات قریب به ۲۰ سند توسط معترضان به کمیساریای عالی انتخابات ارائه شده است. یکی دیگر از مسائلی که باعث شد چنین نتیجه‌ای در انتخابات عراق رقم بخورد، ممانعت از مشارکت نیروهای گروه مقاومتی حشد شعبی در انتخابات بود.

المؤمن اظهار داشت: از سوی دیگر از موضوع تقلب در انتخابات نیز نباید غافل شد. در میان گروه‌های حامی محور مقاومت، ائتلاف «دولت قانون» بیشترین تعداد کرسی‌ها را به دست آورد. در حال حاضر دولت قانون حدود ۴۰ کرسی در اختیار دارد و این در حالی است که در دوره پیشین ۲۶ کرسی را از آن خود کرده بود. اگر در انتخابات تقلب صورت نمی‌گرفت، اکنون دولت قانون قادر بود ۵۵ کرسی را از آن خود کرده و فراکسیون اکثریت را در پارلمان تشکیل دهد.

وی افزود: در واقع رقابت‌های انتخاباتی در عراق میان ۲ محور بود: محور اول همان محور مقاومت و ائتلاف‌های همپیمان با آن بودند و محور دوم، ائتلاف‌هایی بودند که توسط عربستان سعودی مورد حمایت قرار می‌گرفتند. محور دوم ویژگی‌هایی دارد که از جمله می‌توان به تلاش آن برای انجذاب حشد شعبی اشاره کرد. این محور روابط بسیار عمیقی با عربستان سعودی دارد و اساساً اعتقادی هم به محور مقاومت ندارد.

رئیس مرکز تحقیقات راهبردی مشرق عربی عنوان کرد: آمریکا، عربستان و سازمان ملل متحد تلاش کردند تا محوری که در برابر محور مقاومت قرار داشت اکثریت کرسی‌ها در پارلمان را به دست آورد. در نتیجه همین تلاش‌ها نیز کسی که در برابر مقاومت قرار داشت حائز بیشترین آرا شد. اکنون می‌توانیم بگوییم که در عراق ۲ قطب اصلی وجود دارد: قطب اول، نوری المالکی رهبر ائتلاف دولت قانون و قطب دوم، مقتدی صدر رهبر جریان صدر است.

المؤمن تصریح کرد: هیچیک از دو قطب مذکور قادر نیست دیگری را حذف کند. هیچیک از دو قطب مذکور قادر نیست بدون تفاهم و توافق با دیگری دولت را تشکیل دهد. اعلام موجودیت فراکسیون اکثریت مستلزم تشکیل فراکسیون با ۱۹۹ عضو است. بنابراین، دو قطبی که بدان اشاره شد راهی جز توافق و تفاهم برای تشکیل دولت، در مقابل خود ندارند. در این میان، نقش جمهوری اسلامی ایران بسیار مهم است.

وی در همین راستا افزود: ایران به عنوان کشوری که با اکثر گروه‌های شیعی در ارتباط است می‌تواند نقش میانجی گرایانه و پدران‌های ایفا کند تا بدین ترتیب، ۲ قطب اصلی که بدان اشاره کردم با یکدیگر بر سر تشکیل دولت به تفاهم برسند. به هر حال، همانطور که پیشتر گفتیم، ما معتقدیم که در انتخابات تقلب صورت گرفته است. اما این بدین معنا نیست که انتخابات دوباره برگزار خواهد شد. کمیساریای عالی انتخابات در حال رسیدگی به شکایات است اما در نهایت تغییر جدی در نتیجه کلی انتخابات اتفاق نخواهد افتاد.

رئیس مرکز تحقیقات راهبردی مشرق عربی تأکید کرد: نتایج انتخابات بسیار قابل تأمل است. این برای اولین بار است که ما می‌بینیم رسانه‌های سعودی و رژیم صهیونیستی همراه با شورای امنیت سازمان ملل متحد جملگی برای تأیید صحت انتخابات و صحنه گذاشتن بر شفافیت آن به صورت هماهنگ وارد میدان شده‌اند. این اولین بار است که تمامی طرف‌های مذکور به صورت هماهنگ تلاش می‌کنند تا انتخابات عراق را سالم جلوه دهند.

وی گفت: این اولین بار است که صهیونیست‌ها تأکید کردند که عراق خود را از اشغال دیگران نجات داد. کاملاً مشخص است که مقصود صهیونیست‌ها، گروه‌های مقاومت



احزاب و جریان‌های کُرد و سنی با جریان صدر نیز باید بگویم که این اتفاق مطلقاً رخ نخواهد داد در همین ارتباط، المؤمن تأکید کرد: علت این مسأله آن است که کردها می‌گویند سهمیه ریاست جمهوری متعلق به ماست و در مسأله نخست‌وزیری که در نهایت یک شیعی عهده دار آن خواهد شد مداخله نخواهیم کرد. جریان سنی نیز می‌گوید که سهمیه ریاست پارلمان متعلق به ماست و در مسأله انتخاب نخست‌وزیر که یک شیعی عهده دار آن خواهد شد، مداخله نمی‌کنیم. لذا اساساً ائتلافی میان کردها و جریان سنی با هیچیک از جریان‌های شیعی از جمله جریان صدر اتفاق نخواهد افتاد.

وی در پایان سخنان خود به نخست‌وزیری «مصطفی الکاظمی» نیز اشاره کرد و گفت: نخست‌وزیری مصطفی الکاظمی یک فریبکاری بود. تنها کسی که در برابر این فریبکاری ایستاد «نوری المالکی» رهبر ائتلاف دولت قانون بود. مالکی صراحتاً تأکید کرد: «الکاظمی یک نخست‌وزیر موقت نخواهد بود. او آمده است تا بماند». اکنون همگان متوجه شده‌اند که نخست‌وزیری الکاظمی اشتباه بزرگی بوده است.

رئیس مرکز تحقیقات راهبردی مشرق عربی اظهار داشت: الکاظمی به هیچیک از شروطی که بیت شیعی برای سپردن پست نخست‌وزیری به او تعیین کرد، پایبند نبوده است. الکاظمی خود به ضعف‌ها و اشکالات متعدد قانون انتخابات آگاه بود اما برای اصلاح آن هیچ گامی برنداشت. اکنون او تلاش می‌کند تا زمینه برای باقی ماندن در قدرت را برای خود فراهم کند. قاطعانه می‌گویم که بقای الکاظمی در قدرت بزرگترین خطر برای عراق و برای محور مقاومت است.

رئیس مرکز تحقیقات راهبردی مشرق عربی تصریح کرد: عدم مشارکت نیروهای حشد شعبی در انتخابات تصمیمی بود که مستقیماً توسط شخص نخست‌وزیر اتخاذ شد. او دستور عدم مشارکت حشد شعبی در انتخابات را صادر کرد. این درحالی است که نیروهای حشد شعبی باید یک روز پیش از آغاز رسمی انتخابات، همراه با نیروهای امنیتی و نیروهای پلیس، آرا خود را به صندوق‌های رأی می‌انداختند.

وی افزود: در اینجا می‌خواهم به نکته‌ای اشاره کنم و آن، این است که برخلاف تحلیلی که برخی از نتایج انتخابات پارلمانی دارند، جریان صدر از محبوبیت نزد مردم عراق برخوردار نیست. از مجموع حدود ۹ میلیون رأیی که در جریان انتخابات توسط مردم به صندوق‌ها انداخته شد، جریان صدر تنها ۶۰۰ هزار رأی به دست آورد. این بدان معناست که صدی‌ها درصد بسیار ناچیزی از آرا را به خود اختصاص دادند.

المؤمن عنوان کرد: این درحالی است که در دوره پیشین انتخابات صدی‌ها ۲۶۰ هزار رأی بیشتر کسب کرده بودند. این نتیجه نشان از آن دارد که سید آرای جریان صدر در این دوره از انتخابات ریزش داشت.

وی در ادامه سخنان خود در همین زمینه یادآور شد: در نقطه مقابل، ائتلاف «دولت قانون» ۵۵۰ هزار رأی به خود اختصاص داد. با وجود اینکه فاصله آرا صدر و دولت قانون خیلی محسوس نیست اما صدی‌ها ۷۰ کرسی و دولت قانون ۴۰ کرسی را به خود اختصاص دادند. این اتفاق به دلیل تقسیم بندی‌های دایره‌های انتخاباتی و نیز قانون نامناسب و غیر منطقی انتخابات، رخ داد.

رئیس مرکز تحقیقات راهبردی مشرق عربی گفت: ائتلاف دولت قانون به همراه دیگر احزاب، جریان‌ها و ائتلاف‌های حامی مقاومت مجموعاً یک میلیون و ۶۰۰ هزار رأی را به خود اختصاص دادند. این بدان معناست که محبوبیت محور مقاومت در عراق اساساً با محبوبیت جریان صدر قابل قیاس نیست. با این حال، جریان صدر تنها به دلیل قانون جدید انتخابات توانست کرسی‌های بیشتری را به خود اختصاص دهد.

المؤمن تأکید کرد: نکته قابل تأملی که وجود دارد، این است که جریان صدر به صورت کاملاً سازمان یافته وارد کارزار انتخاباتی شد. صدی‌ها در هر دایره انتخاباتی تنها یک نفر را به عنوان نامزد معرفی کردند. این درحالی است که جریان‌های مقابل جریان صدر بعضاً ۳ یا ۴ نامزد در هر دایره انتخاباتی داشتند و می‌توان گفت که متأسفانه وارد یک رقابت درون حزبی و درون گروهی با یکدیگر شدند و بدین ترتیب، زمینه برای پیروزی تک‌نامزد جریان صدر کاملاً فراهم گردید.

رئیس مرکز تحقیقات راهبردی مشرق عربی گفت: زمانی که قانون انتخابات به تصویب رسید هیچکس تصور نمی‌کرد که این قانون دارای اشکالاتی از این دست باشد. زمانی که قانون جدید انتخابات اجرایی و عملیاتی شد همگان را غافلگیر کرد. در خصوص ائتلاف



مهر بررسی کرد؛

اوضاع ملتهب در «منطقه سبز» بغداد / مطالبات معترضان چیست؟



در همین ارتباط، «مقتدی صدر» رهبر جریان صدر عراق اعلام کرد که دولت در برخورد با تظاهرات کنندگان و معترضان به نتایج انتخابات نباید به ابزار خشونت آمیز متوسل شود. در همین حال، رئیس جمهور عراق تظاهرات اخیر در این کشور در اعتراض به نتایج انتخابات پارلمانی و وقوع درگیری میان نیروهای امنیتی و تظاهرات کنندگان را تأسف بار توصیف کرد. برهم صالح گفت: «برگزاری تظاهرات مسالمت آمیز حق مردم است. از تمامی طرفها خواستار خویشتن داری هستیم. در هر حال باید مصحلت و منافع کشور در تمامی امور در اولویت قرار گیرد».

روز گذشته (۱۴ آبان) شمار زیادی از معترضان به نتایج انتخابات پارلمانی زودهنگام در عراق در مقابل تعدادی از وزارتخانه‌های این کشور دست به برگزاری تظاهرات زدند. معترضان پس از برگزاری تظاهرات مذکور به سمت ورودی منطقه سبز بغداد حرکت کردند تا در آنجا تجمع کنند. از آنجایی که نیروهای امنیتی عراق تمامی ورودی‌های منطقه سبز را مسدود کرده بودند، معترضان در مقابل ورودی‌ها چادر زدند و تحصن کردند. تحصن مسالمت آمیز معترضان به نتایج انتخابات پارلمانی ادامه پیدا کرد تا اینکه نیروهای امنیتی به سمت آنها یورش بردند. طبق گزارش‌های میدانی، نیروهای ارتش عراق از گازهای اشک آور و گلوله‌های جنگی علیه تحصن کنندگان استفاده کردند. همین مسأله موجب شد تا بیش از ۱۰۰ تن از معترضان به نتایج انتخابات پارلمانی زخمی شوند. اقدام ارتش در یورش به تحصن کنندگان واکنش‌های متعددی را در محافل سیاسی عراق به دنبال داشت.



آنچه که واضح به نظر می‌رسد این است که مردم عراق برای ابراز نارضایتی خود از نحوه شمارش آراء انتخابات پارلمانی زودهنگام گزینه برگزاری تظاهرات و تحصن مسالمت آمیز را برگزیدند. این حق است که قانون اساسی عراق آن را برای تمامی شهروندان این کشور تضمین کرده است. در حال حاضر نیز معترضان به نتایج انتخابات پارلمانی برای نشان دادن اعتراض خود به دنبال استفاده از این حق قانونی‌شان هستند.

بنابراین، یکی از مطالبات اصلی و اساسی معترضان به نتایج انتخابات پارلمانی، تأمین امنیت اعتراضات و تحصن‌های مسالمت آمیز است. از جمله دیگر مطالبات اصلی معترضان بازگشایی کانال‌های قانونی برای پیگیری نتایج انتخابات پارلمانی است. معترضان عراقی خواستار آن هستند که بتوانند به منظور پیگیری اعتراضات خود به نتایج انتخابات از کانال‌های قانونی متعدد، آزادی عمل داشته باشند. افزون بر این، یکی دیگر از مطالبات معترضان عراقی بازشماری دستی آراء انتخابات پارلمانی زودهنگام است، چرا که آنها معتقدند شمارش آراء به صورت الکترونیکی موجب ظهور و بروز اشکال در نتایج شده است. در حال حاضر نیز بسیاری احزاب و جریان‌های سیاسی در عراق خواستار آن هستند که دولت بغداد به سلسله مطالبات معترضان که بدان اشاره شد، جامه عمل بپوشاند.

از سوی دیگر، «مصطفی الکاظمی» نخست‌وزیر عراق در واکنش به خشونت‌ها در جریان اعتراضات علیه نتایج انتخاباتی این کشور، دستور تشکیل کمیته تحقیق داد. گفته شده که نخست‌وزیر عراق به نیروهای امنیتی دستور داده است تا کسانی که در حفظ امنیت بغداد کوتاهی کرده‌اند، به دست عدالت سپارند. پرداخت غرامت به قربانیان و پیگیری حقوق آنان با نظارت شخصی نخست‌وزیر از دیگر دستورات الکاظمی بوده و قرار است که حشد شعبی هم عضو این کمیته تحقیق باشد.

ملتهب شدن اوضاع در منطقه سبز پای سازمان ملل متحد را نیز به این ماجرا کشاند. در همین راستا، دفتر نماینده سازمان ملل در امور عراق به تشدید خشونت‌های روز جمعه در جریان اعتراضات بغداد واکنش نشان داد.

دفتر سازمان ملل در عراق با انتشار بیانیه‌ای در این خصوص، ضمن ابراز تأسف از خشونت‌ها در جریان اعتراضات علیه نتایج انتخابات پارلمانی این کشور، گفته است: ما درباره بالاگرفتن درگیری‌ها و خشونت‌ها و تلفات ناشی از آن، ابراز تأسف می‌کنیم و از همه طرف‌ها می‌خواهیم حداکثر خویشتنداری را رعایت کنند و به حق اعتراض مسالمت‌آمیز احترام بگذارند و تظاهرات مسالمت‌آمیز باقی بماند.

در این میان، برخی رسانه‌های بیگانه از جمله شبکه‌های سعودی تمام تلاش خود را به کار بستند تا میان حشد شعبی از یک سوی و دولت و ملت عراق از سوی دیگر شکاف ایجاد کنند.

در واقع، این رسانه‌ها تلاش کردند تا حشد شعبی را عامل اصلی ظهور و بروز تحركات خشونت آمیز در منطقه سبز جلوه دهند. در همین راستا حتی یک بیانیه جعلی نیز توسط این رسانه‌ها منتشر و به حشد شعبی نسبت داده شد.

با این حال، سازمان حشد شعبی عراق با هوشیاری کامل در برابر این تحركات خصمانه بیانیه مهمی را صادر و در آن اعلام کرد: علیرغم گمانه‌زنی‌های صورت گرفته، سازمان حشد شعبی تاکنون هیچ موضع‌گیری رسمی در خصوص حوادث بغداد نداشته است. تمامی آنچه که رسانه‌ها از آن به عنوان موضع‌گیری رسمی حشد شعبی در خصوص حوادث بغداد یاد می‌کنند، عاری از صحت است. سازمان حشد شعبی در حال حاضر یک کمیته تحقیق تشکیل داده است تا درباره حوادث روز گذشته تحقیق کند.



مهر بررسی کرد؛

فتنه خارجی در عراق با حمله به منزل «کاظمی» پروژه متهم سازی مقاومت



به گفته العسکری، براساس اطلاعات موثق و غیرقابل انکار، در عراق هیچ کسی حاضر نیست برای هدف قراردادن نخست وزیر سابق یک پهپاد را هزینه کند، اگر هم کسی بخواهد آسیبی برساند، راه‌های بسیار با هزینه کمتر و مطمئن‌تری وجود دارد. مسئول گردان‌های حزب الله عراق در ادامه گفت: مسخره تر اینکه او ملت را به خویشترداری و آرامش دعوت می‌کند، معلوم نیست چه کسی نگران شده است؟

در همین حال، «مقتدی صدر» رهبر جریان صدر عراق به حمله پهپادی به منزل «مصطفی الکاظمی» نخست وزیر این کشور واکنش نشان داد.

وی گفت: نیروهای امنیتی باید زمام امور را در دست گیرند تا وضعیت عراق بهبود یابد. صدر همچنین بر لزوم توقف دخالت‌های خارجی در امور داخلی عراق تأکید کرده است. صدر سو قصد به جان مصطفی الکاظمی را هدف قرار دادن عراق و ملت عراق عنوان کرده است.

از سوی دیگر، «نیچروان بارزانی» رئیس اقلیم کردستان نیز در سخنانی تأکید کرد که حمله پهپادی به منطقه سبز، صلح و ثبات عراق را به مخاطره می‌اندازد. علیرغم حمله پهپادی انجام شده به نظر می‌رسد که اوضاع امنیتی در منطقه سبز باثبات است. در همین ارتباط، «یحیی رسول» سخنگوی فرماندهی کل نیروهای مسلح عراق اعلام کرد که اوضاع امنیتی در منطقه سبز در حال کنترل است و در حال حاضر مشکلی در این منطقه وجود ندارد.

آنچه که واضح به نظر می‌رسد این است که عراق در حال حاضر با یک پروژه خارجی مواجه است؛ پروژهای که یکی از اهداف اصلی و اساسی آن ایجاد نا امنی و هرج و مرج در این کشور است. حمله پهپادی به منزل مصطفی الکاظمی درست مشابه سلسله حملاتی است که گاه و بی گاه منطقه سبز و اماکن دیپلماتیک در این منطقه را هدف قرار می‌دهند. در طول مدت زمان گذشته طرف‌های خارجی و در رأس آنها آمریکایی‌ها به عنوان متهمان ردیف اول حملات به اماکن دیپلماتیک در بغداد معرفی شدند.

رامین حسین آبادیان: بامداد روز یکشنبه

(۱۶ آبان) خبری مبنی بر حمله پهپادی به منزل «مصطفی الکاظمی» نخست وزیر عراق منتشر شد. در ابتدا رسانه‌ها از شنیده شدن صدای تیراندازی و انفجار در منطقه سبز عراق خبر دادند. پس از مدتی اعلام شد که صداهای شنیده شده از منطقه سبز با یک حمله پهپادی که منزل الکاظمی را هدف قرار گرفته است، مرتبط است.

پس از این حمله، «مصطفی الکاظمی» نخست وزیر عراق یک فایل ویدئویی از خود منتشر کرد. وی در این فایل ویدئویی اعلام کرد که سالم است و در جریان حمله انجام شده آسیبی ندیده است. الکاظمی همچنین در سخنانی خود را فدایی ملت عراق خواند

این حادثه واکنش‌های متعددی را در عراق به دنبال داشت. «ابوعلی العسکری»، مسئول امنیتی گردان‌های حزب الله عراق در حساب کاربری خود در شبکه‌های اجتماعی به طرح سو قصد به جان نخست وزیر این کشور واکنش نشان داد. العسکری طرح ترور مصطفی الکاظمی، نخست وزیر عراق را یک حرکت نمایشی خواند و نوشت: بازی کردن نقش قربانی از شیوه‌های نخ نمایی است که به تاریخ پیوسته است.



بنابراین، اکنون نیز حمله به منزل الکاظمی نمی‌تواند با نقش آفرینی طرف‌های خارجی و دستگاه‌های اطلاعاتی وابسته به آنها بی‌ارتباط باشد. همانطور که گفته شد، یکی از اهداف اصلی این پروژه نا امن سازی عراق است. البته اظهارنظرهای گروه‌های عراقی را باید در تحلیل این حادثه مورد تأمل قرارداد که براین باورند کاظمی به دنبال یک نمایش برای افزایش محبوبیت خود و نیز انحراف افکار عمومی از اعتراضات به نتایج انتخابات است.

واکنش سریع برخی جریان‌های غربگرا در محکوم کردن حمله پهلادی به منزل الکاظمی و متهم‌سازی گروه‌های مقاومت به دست داشتن در این اقدام نیز جای تأمل دارد و به تردیدها در این باره دامن می‌زند.

از جمله دیگر اهداف فتنه در عراق، منحرف کردن افکار عمومی از اعتراضات گسترده به نتایج انتخابات پارلمانی این کشور است. بدیهی است کسانی که در اتاق‌های فکر خارجی تصمیم به اجرای سناریوی حمله پهلادی به منزل الکاظمی گرفتند، به دنبال آن بودند تا اعتراضات گسترده مردمی به نتایج انتخابات را به حاشیه رانده و آن را تحت الشعاع یک حادثه بزرگ‌تر قرار دهند تا مبادا این اعتراضات به نتیجه مطلوب خود برسد.

افزون بر این، هدف مهم دیگری که توسط طرف‌های خارجی و مزدوران داخلی آنها از ورای حمله پهلادی به منزل الکاظمی دنبال می‌شود و شاید بتوان از آن به عنوان مهمترین و اصلی ترین هدف یاد کرد، پیاده سازی پروژه متهم سازی گروه‌های مقاومت است. این همان سناریویی است که سال‌ها پیش با ترور از پیش برنامه ریزی شده رفیق الحریبری نخست وزیر وقت لبنان، رخ داد و در پی آن، مقاومت به نقش آفرینی در عملیات ترور متهم شد.

ناگفته پیداست که در سناریو و فتنه خارجی حمله به منزل الکاظمی، افزایش فشارها علیه گروه‌های مقاومت عراقی و یا همان «حشد شعبی» در دستور کار قرار دارد. این درحالی است که در طول ماه‌های گذشته حشد شعبی بارها و در مناسبت‌های مختلف اعلام کرده است که هیچگاه امکان دیپلماتیک در منطقه سبز را هدف قرار نداده و نمی‌دهد.

به هر حال، کارشناسان و ناظران سیاسی معتقدند که سناریوی حمله به منزل الکاظمی از یک سو تلاش برای نا امن سازی عراق و تحمیل نتایج انتخابات پارلمانی به مردم این کشور است و از سوی دیگر، حربه‌ای برای متهم ساختن مقاومت و افزایش فشارها علیه آن است.





جاسم الموسوی تحلیلگر سیاسی عراق: تغییر نقش سازمان ملل در عراق از نظارت تا قیمومیت

برد. در خصوص تحولات پس‌انتخاباتی عراق گفتگویی با «جاسم الموسوی» تحلیلگر عراقی انجام شده است که از نظر می‌گذرد.

***اوضاع کنونی عراق پس از برگزاری انتخابات را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
مطالبات اصلی معترضان در منطقه سبز بغداد چیست؟**

اوضاع بحرانی کنونی عراق به علت نتایج انتخابات، غیر همگرا و بسیار متفاوت است که ممکن است تحولات را به سمت گزینه‌های دیگر نیز پیش ببرد. اعتراضاتی علیه نتایج این انتخابات صورت گرفت که برخی نیروهای سیاسی را کنار زد که در میان مردم طرفدارانی دارند و معتقدند نتایجی که کسب کرده‌اند، واقعی نیست.

اعتراضات منطقه سبز بغداد، اعمال فشار بر دولت و کمیسیون عالی انتخابات و سیاستمداران است و به آنها گوشزد می‌کند باید پاسخ‌های واضح و صریحی را درباره تقلب در انتخابات ارائه دهند و این مسئله باعث توسل نیروهای سیاسی به گزینه قدرت و اعمال فشار شده است.

سمیه خماربای: معترضان به نتایج انتخابات پارلمانی عراق روز جمعه (۱۴ آبان) در برابر وزارت برنامه ریزی این کشور تجمع کردند. شرکت کنندگان در این تجمع سپس حرکت خود به سمت ورودی منطقه سبز را آغاز کردند.

معترضان پس از رسیدن به ورودی منطقه سبز خیمه گاه‌هایی را ایجاد و سپس تحصن خود را در آنجا آغاز کردند. منابع عراقی اعلام کردند که نیروهای امنیتی به سمت تحصن کنندگان حمله کرده و تحصن را به آشوب کشیدند که بر اثر آن ۲ معترض عراقی کشته و ۱۲۵ تن زخمی شدند.

در پی این اعتراضات خونین، مصطفی الکاظمی دستور داد در خصوص درگیری‌های صورت گرفته در مناطق مختلف منطقه سبز بغداد، تحقیقات انجام شود. فرماندهی عملیات مشترک عراق شب گذشته اعلام کرد که نخست‌وزیر طرف‌های سیاسی مختلف را به آرامش و مذاکره دعوت کرد و از تظاهرات کنندگان خواست تا به مسالمت‌آمیز بودن اعتراضات تکیه کنند و از خشونت به هر شکل و در هر سطحی و با هر ابزاری پرهیز کنند. با اعلام نتیجه انتخابات پارلمانی عراق که روز دهم اکتبر (۱۸ مهرماه) برگزار شد، شماری از احزاب و ائتلاف‌های سیاسی به نتیجه اعلامی اعتراض کردند و از دستکاری در نتایج این انتخابات سخن گفتند.

تعدادی از شهرهای عراق نیز از پس از اعلام نتیجه اولیه شاهد تظاهرات‌های متعدد در اعتراض به نتیجه انتخابات بودند به نحوی که معترضان خواستار شمارش دستی کلیه آرا شدند زیرا معتقد بودند در شمارش الکترونیکی آراء، دستکاری صورت گرفته است.

تنها یک روز پس از برگزاری اعتراضات در منطقه سبز بغداد و سرکوب خونین معترضین توسط نیروهای امنیتی عراق، حمله تامل برانگیز روز یکشنبه به منزل نخست وزیر عراق، مطالبات اخیر مردم عراق و خشونت علیه اعتراضات مردمی در منطقه سبز بغداد را به حاشیه



برخی طرف‌ها تلاش می‌کنند از این رویداد بهره برداری کنند و این منطقه را به آستانه انفجار برسانند تا از گذرگاه منطقه سبز به منطقه سیاهی منتقل شویم که پایانی جز جنگ و درگیری بین طوایف و نیروهای سیاسی ندارد و می‌خواهند این مسئله به ضعیفی واقعی برای نیروهای شیعه یا کل عراق تبدیل شود.

* به نظر شما آیا کمیسیون مستقل انتخابات عراق باید اسنادی را که درباره ضرورت بازشماری آرا ارائه شده است، بررسی کند؟

بند ۳۸ قانون انتخابات که پارلمان منحل آن را تصویب کرد، به صورت غیر مستقیم بر ضرورت بازشماری دستی آرا تأکید دارد؛ به این معنا که اگر اعتراضاتی در همه حوزه‌های رأی گیری عراق صورت گرفت، کمیسیون باید آرا را به صورت دستی و شفاف بازشماری کند.

طبیعتاً دستکاری در نتایج انتخابات و اقدام گروه‌های سیاسی به تحمیل دیدگاه‌های خود بر کمیسیون انتخابات (که مستقل و بیطرف نیست) و ناتوانی آن در رقم زدن نتایج مطابق با واقعیت، نیروهای سیاسی و تظاهرات کنندگان را وادار کرد تا کمیسیون را به بازشماری دستی آرا ملزم کنند و در این راستا اسنادی ارائه شده است که رویکرد کمیسیون را محکوم می‌کند.

توپ اکنون در زمین دولت فدرال است که باید اسناد و شواهدی که نقش آفرینی و سربیزی کمیسیون را در پاسخگویی اثبات می‌کند، بررسی کند و بر اساس آن تصمیم مناسب را درباره چگونگی بازشماری آرا یا لغو نتایج انتخابات و حتی برگزاری مجدد آن اتخاذ کند.

* نقش سازمان ملل را در نظارت بر انتخابات و دخالت‌های پس‌انتخاباتی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

نقش سازمان ملل که انتظار می‌رفت بر انتخابات نظارت داشته باشد و به برگزاری آن انگیزه زیادی ببخشد، آنگاه که نماینده سازمان ملل با بازشماری دستی آرا مخالفت می‌کند و اصرار دارد این انتخابات الکترونیکی باید به همین شیوه و همین نتایج ادامه پیدا کند از نظارت به قیمومیت تغییر کرده است. بدون شک این نقش آفرینی سازمان ملل، ناپسند و محکوم است.

به علاوه شک و تردید واقعی درباره نقش آفرینی‌های نماینده سازمان ملل در عراق و اینکه چگونه رفتار دوگانه‌ای را در قبال تظاهرات از خود نشان داد و به صورت گسترده و آشکار در امور داخلی عراق دخالت کرد، وجود دارد.

این دخالت‌ها اهانت واقعی به استقلال عراق محسوب می‌شود و از این رو علامت سوال‌های زیادی در مقابل اقدامات هیئت نمایندگی سازمان ملل وجود دارد؛ هیئتی که نقش خود را به گونه‌ای آغاز کرد گویا بخشی از نزاع است و موضع بی‌طرفانه‌ای اتخاذ نکرد. این هیئت فراموش کرد باید موضع یکسانی را در قبال همه طرف‌ها اتخاذ کند؛ اما به سود طرف‌های مشخص علیه سایر طرف‌ها موضع گیری کرد. این رفتار، شایسته سازمان ملل که از احترام مردم عراق برخوردار بوده نیست.

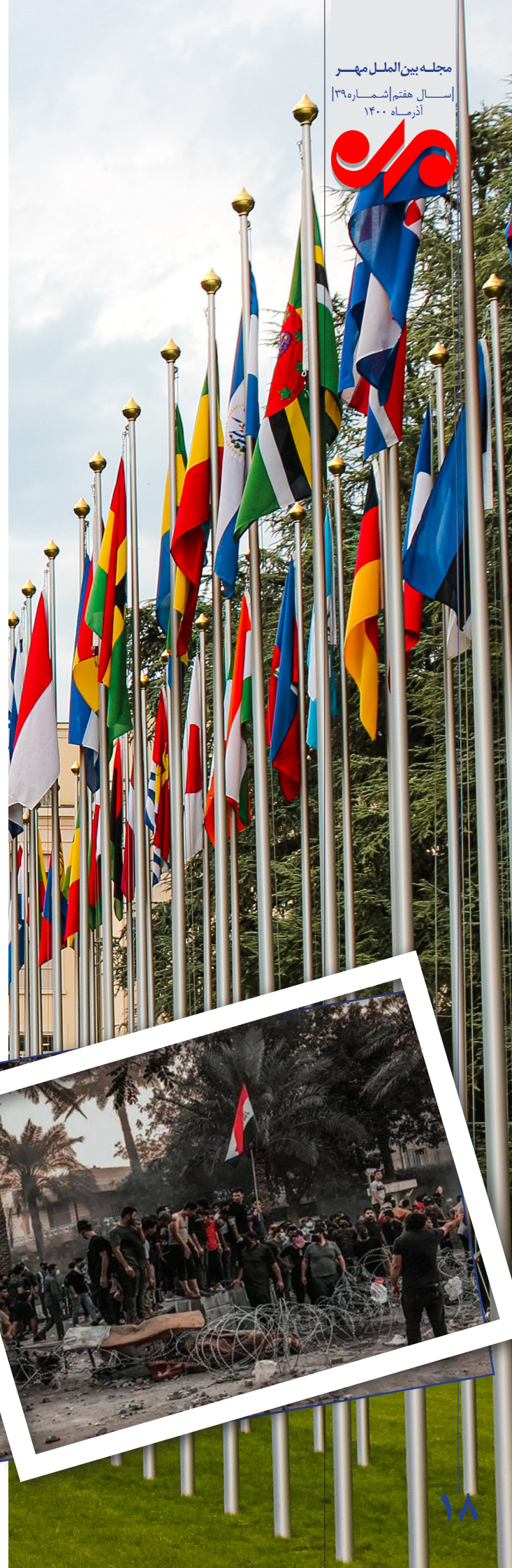
مردم عراق معتقدند این سازمان باید بیطرف و یاری رسان آنها باشد و توصیه‌ها و رهنمودهای خود را ارائه دهد. از این رو من معتقدم آنچه رخ داد بسیار عجیب و ناپسند بود و نماینده سازمان ملل دخالت‌های واضح و صریحی در امور داخلی عراق داشته است.

نماینده سازمان ملل بر جلوگیری از بازشماری آرا اصرار دارد و چه بسا تحولات را در صورتی که طیف‌های سیاسی بتوانند انتخابات را دوباره برگزار کنند یا موفق به بازشماری دستی آرا شوند، به سوی تصویب قطعنامه‌هایی در شورای امنیت علیه عراق پیش ببرد.

* آینده عراق را در سایه این مطالبات مردمی و اعتراضات چگونه می‌بینید؟ آیا این تحولات بر روند تشکیل دولت عراق تأثیر می‌گذارد؟

بدون شک تأثیر می‌گذارد. زیرا این قدرت و نیرو که از آن صحبت می‌کنیم اگر بخشی از دولت نباشد ممکن است به ناقض امنیت و ثبات تبدیل شود و من معتقد نیستم دولتی که تشکیل خواهد شد این نیروی بازنده را با خود همراه کند و اگر هم همراه کند، بر خلاف عادت خود به ایفای نقش اصلی، نقشی ثانویه ایفا خواهد کرد.

طبیعتاً پیش بینی می‌شود چنین اتفاقی بیفتد و همچنین مطالبات مردمی ممکن است بیش از یک سال ادامه داشته باشد و معترضان به ابزارهای دیگر متوسل شوند. بدون شک تا زمانی که یک نیرویی وجود دارد که در میان مردم طرفدار دارد و با نتایج انتخابات و تقلب در آن مخالف است، دولت مستقر نخواهد شد و از ثبات برخوردار نخواهد بود.





عبدالباری عطوان بررسی کرد؛

۳ سناریوی محتمل در ماجرای ترور نافرجام «کاظمی»



پهپادی علیه کاظمی را طراحی کرد. واضح است که آمریکایی‌ها نمی‌خواهند حشد شعبی در عراق به گروهی مانند حزب الله در لبنان تبدیل شود.

وی افزود: همانطور که پیشتر گفتیم رسانه‌های عربستان به ویژه العربیه از سناریوی اول حمایت می‌کنند اما حامیان سناریوی دوم به بیانیه اخیر کمیساریای عالی انتخابات استناد می‌کنند که در آن هرگونه تقلب در فرایند شمارش آراء تکذیب شده است. حامیان این سناریو می‌گویند که کاظمی با هدف تحمیل نتایج انتخابات، عملیات ترور خود را طراحی کرده است.

عطوان یادآور شد: اما کسانی که معتقدند آمریکا طراح اصلی عملیات ترور بوده است، معتقدند که واشنگتن با هدف فراهم کردن یک بهانه جهت از بین بردن حشد شعبی چنین کاری کرده است؛ به ویژه اینکه حشد شعبی تاکنون نقش مهمی در مبارزه علیه اشغالگری در عراق داشته است و یکی از مهمترین گروه‌هایی محسوب می‌شود که خواهان خروج هرچه سریع‌تر ایالات متحده آمریکا از خاک کشورش می‌باشد.

وی گفت: از آنجایی که تحقیقات رسمی در خصوص حمله پهپادی به منزل کاظمی هنوز به نتیجه قطعی نرسیده است ما نمی‌خواهیم هیچیک از سناریوهای مذکور را تأیید و یا رد کنیم. به هر حال، آنچه که واضح به نظر می‌رسد این است که هرگونه تلاش برای خلع سلاح حشد شعبی به مثابه اعلان جنگ خواهد بود. تلاش برای خلع سلاح حشد شعبی یک ماجراجویی خواهد بود که احتمال شکست آن در مقایسه با احتمال موفقیتش بسیار بیشتر است.

عبدالباری عطوان» تحلیلگر مشهور جهان عرب مطلبی را پیرامون حمله پهپادی به منزل «مصطفی الکاظمی» نخست وزیر عراق و ترور ناکام وی، منتشر کرد.

بر اساس این گزارش، عطوان در مطلب خود آورده است: منزل نخست وزیر عراق در منطقه سبزه هدف حمله پهپادی قرار گرفت. منطقه سبز از لحاظ برخورداری از استحکامات امنیتی نه تنها در عراق که در سراسر منطقه شهرت دارد. ماجرا از این قرار بود که منزل الکاظمی هدف حمله پهپادی قرار گرفت. به دنبال این حمله ۳ نفر از محافظان وی دچار جراحات سطحی شدند و خود او نیز بر اساس بیانیه‌های رسمی منتشر شده به صورت کاملاً معجزه آسا نجات پیدا کرد.

این تحلیلگر مشهور جهان عرب افزوده است: طرف‌های مختلف عراقی از جمله سخنگوی دولت عراق مواضع خود در قبال این حمله پهپادی را اعلام کردند. آنها پیش از آغاز تحقیقات رسمی گفتند که می‌دانند چه کسانی این حمله را انجام داده‌اند. حتی سخنگوی شورای امنیت ملی عراق گفت که گروه‌های مسلح جنایتکار عامل این حمله بوده‌اند. از محتوای کلام مقامات عراقی کاملاً پیداست که آنها انگشت اتهام را به سوی «حشد شعبی» نشانه رفته‌اند.

عطوان افزود: این حمله درست پس از آن اتفاق افتاد که عراق به دنبال اعلام نتایج انتخابات پارلمانی زودهنگام شاهد حوادث متعددی بود. در واقع، حمله پهپادی به منزل الکاظمی همزمان با تشدید موج تأکید بر وقوع تقلب در انتخابات، رخ داد. یک روز پیش از انجام حمله نیز منطقه سبز بغداد شاهد حوادث خونینی بود که به دنبال آن شماری جان خود را از دست دادند و عده‌ای دیگر نیز زخمی شدند.

این تحلیلگر مشهور جهان عرب عنوان کرد: در رابطه با مسأله ترور نخست وزیر عراق ۳ سناریوی محتمل وجود دارد که بدان اشاره می‌شود. سناریوی اول این است که یک یا چند گروه از گروه‌های عضو «حشد شعبی» این عملیات را انجام داده باشند تا بدین ترتیب، پیام قدرت خود را به کاظمی مخابره کرده باشند. البته باید به این مسأله توجه داشت که رسانه‌های سعودی و به ویژه شبکه العربیه حامیان اصلی این سناریو هستند و آن را تأیید می‌کنند.

عبدالباری عطوان افزود: سناریوی دوم این است که دستگاه‌های وابسته به خود الکاظمی عملیات پهپادی ترور او را طراحی کردند تا او از این طریق بتواند همبستگی مردم را برای خود بخرد و بتواند به عنوان نخست‌وزیر ۴ سال آتی عراق معرفی شود. در واقع، سناریوی دوم از ساختگی بودن حمله مذکور سخن می‌گوید. سناریوی سوم این است که ایالات متحده آمریکا با هدف متهم ساختن حشد شعبی و هدف قرار دادن آن، عملیات



مهر بررسی کرد؛

مداخله عربستان در انتخابات لبنان / حمایت از جعجع برای فتنه انگیزی

به ۵ ماه تا زمان برگزاری انتخابات پارلمانی لبنان باقی مانده است، برخی طرف‌های خارجی مداخله جویی‌های خود در این انتخابات را کلید زده اند. از جمله این طرف‌ها می‌توان به عربستان سعودی اشاره کرد که همچون ادوار گذشته تمام تلاش خود را به کار بسته است تا مهرهای دست نشانده خود در لبنان را در سطوح مختلف سیاسی این کشور حاکم سازد.

به نظر می‌رسد که سعودی‌ها خیلی زود به نقش آفرینی در صحنه انتخاباتی لبنان پرداخته اند. در همین راستا، منابع آگاه اعلام کرده اند که «ولید البخاری» سفیر عربستان سعودی در لبنان اخیراً با برخی از فرزندان عشایر عربی در این کشور در محل اقامت خود دیدار کرده و از آنها خواسته است که از نامزدهای وابسته به حزب «القوات اللبنانية» به ریاست «سمیر جعجع» حمایت کنند.

ولید البخاری در دیدار با فرزندان عشایر عربی لبنان تأکید کرد که «سمیر جعجع» اولین هم‌پیمان عربستان سعودی در لبنان است و ریاض در انتخابات پارلمانی این کشور از او حمایت خواهد کرد. این در حالی است که سفیر عربستان در جریان دیدار مذکور اشاره‌ای به موضع کشورش در قبال جریان «المستقبل» به ریاست «سعد حریری» نخست وزیر پیشین لبنان در انتخابات آینده این کشور نکرده است.

همانطور که کاملاً واضح به نظر می‌رسد، سعودی‌ها در جریان مداخله جویی‌های خود در انتخابات پارلمانی لبنان، حمایت از سمیر جعجع را در دستور کار خود قرار داده اند؛ فردی که اخیراً با فتنه‌انگیزی در منطقه «الطیونه» بیروت تلاش کرد تا لبنان را وارد تونل تاریک جنگ داخلی کند. واقعیت این است که سلسله حمایت‌های عربستان سعودی از جعجع و حزب متبوع او یعنی «القوات اللبنانية» بر هیچ‌کس پنهان نیست.

رامین حسین آبادیان: نمایندگان پارلمان

لبنان روز گذشته به صورت رسمی موعد برگزاری انتخابات پارلمانی این کشور را تأیید کردند.

در حالی که پیشتر قرار بود تا انتخابات پارلمانی در اردیبهشت ماه برگزار گردد اما نمایندگان لبنانی با جلو افتادن موعد برگزاری انتخابات به تاریخ ۷ فروردین ماه موافقت کردند. این در حالی است که برخی اعضای فراکسیون‌های مخالف تاریخ مذکور، جلسه پارلمان را ترک کردند

انتخابات پارلمانی در لبنان هر ۴ سال یک بار برگزار می‌شود اما انتخابات پیشین، برای نخستین بار بعد از ۹ سال و در پی یک تأخیر ۵ ساله در ۸ می ۲۰۱۸ (۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۷) برگزار شد.

علیرغم اینکه برخی طرف‌های داخلی با حمایت‌های خارجی با هدف ایجاد خلأ قدرت در لبنان تلاش می‌کردند تا انتخابات پیش روی نیز با تأخیر بسیار زیاد برگزار شود، اما نمایندگان پارلمان در مقابل این توطئه ایستادند و تاریخ برگزاری انتخابات را مشخص کردند.

بر اساس آنچه که گفته شد، در حال حاضر قریب



لبنان افزایش یابد، به تبع آن از نفوذ سیاسی حزب الله لبنان کاسته می‌شود. البته آنچه که ریاض از آن غافل شده است، پایگاه اجتماعی و مردمی حزب الله است؛ پایگاهی که به هیچ وجه قابل قیاس با پایگاه اجتماعی جمع و القوات اللبنانية نیست. حزب الله یک حزب مردمی است و در طول سالهای گذشته همواره مورد حمایت مردم این کشور بوده است.

به عنوان نمونه، می‌توان به انتخابات پارلمانی پیشین اشاره کرد که نامزدهای حزب الله لبنان و دیگر جریان‌های همپیمان این گروه مقاومتی توانستند آرا قابل توجهی از مردم لبنان را به خود اختصاص دهند. بنابراین، سعودی‌ها برای ایجاد یک قطب سیاسی و نظامی جدید به منظور مقابله با حزب الله لبنان مسیر بسیار سختی را در پیش دارند.

به هر حال، آنچه که واضح به نظر می‌رسد، این است که عربستان سعودی به هیچ وجه نمی‌خواهد اتفاقات ۴ سال پیش در انتخابات پارلمانی لبنان تکرار شده و نمایندگان حزب الله و جریان‌های متحد آن با کسب آرا بالا، اغلب کرسی‌های پارلمانی را از آن خود کنند. از همین روی، ریاض تصمیم گرفته است تا از سمیر جعجع و حزب متبوع او حمایت به عمل آورد تا شاید با این حربه بتواند قدرت روزافزون حزب الله در عرصه‌های سیاسی و نظامی را مهار سازد.

در همین ارتباط، «شیخ نبیل قاووق» عضو شورای مرکزی حزب الله لبنان طی روزهای گذشته از روابط و مناسبات میان عربستان سعودی و حزب القوات اللبنانية به ریاست سمیر جعجع پرده برداشت. این عضو شورای مرکزی حزب الله در این خصوص تصریح کرد: «حزب القوات اللبنانية از عربستان سعودی پول و سلاح دریافت می‌کند. در واقع، سعودی‌ها پول و سلاح در اختیار نیروهای جعجع قرار می‌دهند تا آنها حزب الله را هدف قرار دهند». بر اساس آنچه که گفته شد، کاملاً طبیعی است که عربستان سعودی در جریان مداخله جویی‌های خود در امور لبنان، از حزب سمیر جعجع در انتخابات پارلمانی این کشور حمایت به عمل آورد. یکی از اهداف اصلی و اساسی این حمایت، فراهم کردن زمینه برای ایجاد فتنه داخلی در لبنان است. سعودی‌ها از یک سوی نسبت به سرسپردگی سمیر جعجع به خود آگاه هستند و از سوی دیگر به خوبی می‌دانند که القوات اللبنانية از ابزار، امکانات و تسلیحات کافی برای فتنه انگیزی در لبنان برخوردار است. از همین روی، مقامات ریاض حساب ویژه‌ای روی جعجع و حزب متبوعش باز کرده‌اند. مقامات سعودی معتقدند که پیروزی القوات اللبنانية در انتخابات پارلمانی می‌تواند به آنها در پیشبرد اهدافشان در لبنان کمک شایانی کند.

هدف دیگر عربستان سعودی از حمایت از سمیر جعجع و حزب القوات اللبنانية در انتخابات پارلمانی لبنان، ایجاد یک قطب جدید برای رویارویی و مقابله با حزب الله لبنان است. در واقع، مقامات عربستان سعودی قصد دارند علاوه بر حمایت‌های مالی و تسلیحاتی خود از القوات اللبنانية، در عرصه دیپلماتیک نیز پشتوانه‌ای را برای این گروه ایجاد کنند. آنها پیروزی القوات اللبنانية در انتخابات پارلمانی لبنان را بزرگترین پشتوانه برای این گروه در عرصه دیپلماتیک قلمداد می‌کنند.

مقامات ریاض بر این باورند که هرچقدر نفوذ سیاسی القوات اللبنانية و سمیر جعجع در



جنگ سعودی علیه آزادی بیان از قتل خاشقجی تا تهدید قرداحی



اینکه سناریوی فشار قاضی تحقیق بندر بیروت و سیاسی کردن پرونده آن راه به جایی نبرده است. رویدادهای الطیونه (جان باختن ۸ شهروند لبنانی در اعتراض به سیاسی کاری قاضی پرونده انفجار بندر بیروت) که در آن مأموریت جدیدی به سمیر جعجع رئیس حزب «القوات اللبنانیة» برای مدیریت ناامنی سپرده شد هم نتوانست آنها را به هدف برساند. جای تردید نیست که اظهارات جورج قرداحی وزیر اطلاعات رسانی لبنان بهانه ای برای تکمیل و به نتیجه رساندن پرونده ناامن سازی در لبنان است. صرف نظر از بهره برداری سیاسی و سناریوی آمریکا باید گفت که اساساً سعودی ها کمترین سطح از آزادی بیان را نمی توانند تحمل کنند. نمونه چنین رفتارهایی را سعودی ها در دوره های مختلف با شیوه های متفاوت در برابر آزادی بیان و رسانه ها در پیش گرفته اند. نمونه بارز آن قتل جمال خاشقجی روزنامه نگار سعودی است که تنها به خاطر یک اظهار نظر در کنسولگری سعودی در ترکیه به طرز وحشتناکی به قتل رسید. این بار هم که شرایط قتل قرداحی فراهم نیست تلاش می شود تا وی در انزوای سیاسی قرار گیرد. هدف اصلی سرنوشتی دولت لبنان و طرح جایگزین بازگشت بی بایستی دوباره به دولت این کشور است؛ آن هم در شرایطی که لبنان به دلیل سیاست ها و دخالت سفارت آمریکا، وضعیت اقتصادی مناسبی ندارد.

وزیر اطلاع رسانی لبنان آخرین سیاستمداری است که برای بیان سخن حق از حدود به یک هفته پیش مورد حمله شدید رسانه ای و سیاسی ریاض و اردوگاه وابسته به عربستان، قرار گرفته است. ماجرا از آنجا آغاز شد که جورج قرداحی پیش از آنکه سمت وزارت اطلاع رسانی لبنان را بر عهده بگیرد در سخنانی از جنگ سعودی در یمن انتقاد کرد.

جرج قرداحی، وزیر اطلاع رسانی لبنان که مجری شناخته شده در جهان عرب است، اخیراً در برنامه ای تلویزیونی با «بیپوده» خواندن جنگ عربستان سعودی علیه یمن، از نیروهای جنبش انصارالله یمن حمایت کرده بود.

آنچه باعث شده که سعودیها نسبت به گفته های قرداحی حساسیت بیشتری به خرج دهند، جایگاه او به عنوان یک مسئول رسمی عرب و تصدی پست وزارت اطلاع رسانی کشور لبنان از جانب وی است. این حساسیت از آنجا دو چندان می شود که لبنان با توجه به بافت ویژه آن همواره از اهمیت زیادی برای سعودیها برخوردار بوده است و آنها در طول سالهای گذشته به شیوه های مختلفی برای دخالت در امور داخلی این کشور و برهم زدن توازن داخلی آن با جانبداری از یک یا چند گروه سیاسی علیه دیگر گروهها تلاش کرده و همزمان نیز کوشیده اند تا با پرداخت هزینه های هنگفت مالی و تقویت نفوذ رسانه ای، وجهه خود را خوب جلوه دهند و دخالت های خود را حمایت از ملت لبنان معرفی کنند.

حال در سایه این شرایط، سیاستمداری در این سطح نظیر قرداحی با وجود فشارهای سعودیها سخن حق را بیان داشته که به مذاق آنها خوش نیامده است و آنها را به واکنش شدید سیاسی و رسانه ای و یارگیری از سایر کشورهای عربی که به نوعی یا در اردوگاه ریاض قرار دارند و یا زیر نفوذ آن هستند، سوق داده است؛ امری که آن را به خوبی می توان در موضعگیری شورای همکاری خلیج فارس شاهد بود که اساساً زیر نفوذ عربستان است. اقدامات ضد لبنانی عربستان سعودی بعد از آن اتخاذ می شود که قرداحی رسماً گفته که تحت فشار افراد و سفرا و سفارتخانه ها تن به عذرخواهی نخواهد داد و حقایق را خواهد گفت.

البته وی پس از فشارهای سعودی این موضوع را هم مطرح کرد که هدف وی اهانت به سعودی و امارات و هیچ کشور عربی دیگر نبوده است و تنها جنگ در یمن را جنگ بیپوده دانسته است. اگرچه از لحن قرداحی هم انتقاد شدیدی بر نمی آید، اما بنظر می رسد سعودی ها به این بهانه در حال تکمیل سناریوی جدید آمریکا برای سرنوشتی دولت هستند. بویژه



تکرار مدل قطر در لبنان توسط عربستان سعودی

رامین حسین آبادیان: جنرال آفرینی‌های عربستان سعودی علیه لبنان به بهانه اظهارنظر اخیر «جورج قرداحی» وزیر اطلاع رسانی این کشور، به تازگی وارد فاز جدیدی شده است. ماجرا از آنجا آغاز شد که قرداحی قبل از ورود به کابینه «نجیب میقاتی» در کسوت یک مجری و فعال رسانه‌ای، در برنامه‌ای تلویزیونی معروف به «برلمان شعب» (پارلمان مردم) به صراحت بر ضرورت توقف تجاوز به یمن تأکید کرد.

وی در پاسخ به این پرسش که تحولات جاری در یمن را چگونه ارزیابی می‌کند، گفت: «تجاوز وحشیانه به یمن که هشت سال از آن می‌گذرد، باید متوقف شود. آن چه یمنی‌ها انجام می‌دهند، حقوق قانونی آن‌ها در دفاع از خود است و من پایداری مردم یمن در قبال این تجاوز را ارج می‌نهم». پس از آن، جنرال آفرینی‌های عجیب و غریب سعودی‌ها تنها به دلیل یک اظهارنظر ساده که پیشتر نیز توسط دیگر شخصیت‌های دیپلماتیک مسبوق به سابقه بوده است، آغاز شد.

در همین راستا، عربستان سعودی روز جمعه به سفیر لبنان در این کشور ۴۸ ساعت مهلت داد تا خاک این کشور را ترک کرده و واردات تمامی کالاهای لبنانی به این کشور را نیز متوقف کرد. ریاض همچنین سفیرش در بیروت را فرا خوانده است. بحرین هم به تبعیت عربستان سعودی، از سفیر لبنان خواسته ظرف ۴۸ ساعت، این کشور را ترک کند. هفته گذشته، کشورهای مختلف عربستان سعودی، بحرین، امارات و کویت سفرای لبنان را فراخوانده بودند. امارات و کویت نیز اقدامات مشابهی را انجام دادند.

آنچه که واضح به نظر می‌رسد این است که عربستان سعودی رفتاری مشابه با آنچه را که در سال ۲۰۱۷ در قبال قطر در پیش گرفته بود، اکنون در رابطه با لبنان تکرار می‌کند. این بدان معناست که سعودی‌ها برای تکرار یک سناریوی مشابه که پیشتر در قطر اجرا شده بود، تلاش می‌کنند. در جریان بحران دیپلماتیک با قطر نیز عربستان سعودی بدون اینکه اتفاق خاصی در روابط میان ریاض و دوحه رخ داده باشد، به ایجاد یک صف آرای عربی در مواجهه با قطر مبادرت ورزید.

اکنون پس از قریب به ۴ سال، تاریخ مجدداً تکرار شده است و این بار، لبنان آماج هجمه ریاض و متحدان آن قرار گرفته است. مقامات ریاض اظهار نظر ساده «قرداحی» درباره جنگ یمن را آن هم در شرایطی که هیچ پست سیاسی در اختیار نداشت، بهترین فرصت برای پیاده سازی سناریوی از پیش طراحی شده خود علیه لبنان دیدند. آنها به این نتیجه رسیدند که اگر از این فرصت استفاده نکنند شاید چنین فرصتی برای تشدید فشارهایشان بر لبنان مجدداً تکرار نشود.





یکی از علل و عوامل جنجال آفرینی‌های عربستان سعودی علیه لبنان، تلاش ریاض برای سرپوش نهادن بر ناکامی‌های پی در پی در یمن است. از آنجایی که مقامات سعودی خود به خوبی می‌دانند که نیروهای یمنی دیر یا زود با آزادسازی شهر «مارب» از لوث عناصر وابسته به آنها دستاورد بزرگ و چشمگیری را رقم خواهد زد، بنابراین در صدد هستند تا افکار عمومی را از توجه و اهتمام به این دستاورد بزرگ منحرف سازند.

به عبارت بهتر، مقامات عربستان سعودی به دنبال آن هستند تا دستاوردهای میدانی قریب الوقوع نیروهای یمنی در مارب را تحت الشعاع بحران در روابط دیپلماتیک با لبنان قرار دهند. از جمله دیگر اهدافی که سعودی‌ها از رهگذر جنجال آفرینی علیه لبنان دنبال می‌کنند، تلاش برای سرنگون کردن دولت «نجیب میقاتی» است.

در همین ارتباط، باید گفت که عربستان سعودی حساب ویژه ای بر روی ایجاد خلأ سیاسی و خلأ قدرت در لبنان باز کرده است. مقامات ریاض بر این باورند که تحقق این هدف جز با ساقط شدن دولت میقاتی میسر نخواهد شد. از همین روی، آنها اظهارنظر اخیر «جورج قرداحی» را دستاویزی برای اعمال فشارهای بیشتر به دولت جهت وادار کردن آن به استعفا، قرار داده اند. طبیعی است که اگر در برهه کنونی دولت لبنان ساقط شود، در فاصله کوتاه باقی مانده تا زمان برگزاری انتخابات پارلمانی، لبنان عملاً با یک خلأ سیاسی مواجه خواهد شد.

از سوی دیگر، در طول قریب به یک سال گذشته عربستان سعودی تمام تلاش خود را برای ایجاد «خلأ سیاسی» و «فروپاشی اقتصادی و امنیتی» لبنان به کار بسته است. با این حال، سعودی‌ها در هیچ یک از زمینه‌های مذکور نتوانستند توفیق قابل ذکری را حاصل نمایند. به عنوان نمونه، عربستان تلاش کرد تا پس از وقوع انفجار مهیب در بندر بیروت، اقتصاد لبنان را تحت فشار قرار داده و آن را متلاشی سازد.

با این حال، سیاست عربستان برای «فروپاشی اقتصادی» در لبنان ناکام ماند. پس از آن، ریاض به سراغ سناریوی ایجاد خلأ سیاسی در لبنان رفت و مانع از تشکیل دولت این کشور به ریاست سعد الحریری شد. حریری در نهایت به درخواست عربستان سعودی از سمت خود استعفا داد تا بتواند به اجرایی شدن سناریوی خلأ سیاسی و خلأ قدرت در لبنان به عربستان سعودی کمک کرده باشد.

با این حال، ریاض در پیاده سازی این سناریو هم توفیقی حاصل نکرد و پس از آن به سراغ سناریوی «فروپاشی امنیتی» در لبنان رفت. در این زمینه می‌توان به حادثه اخیر در منطقه «الطیونه» بیروت اشاره کرد که توسط عناصر وابسته به حزب «القوات اللبنانیة» به ریاست «سمیر جعجع» رخ داد.

حزب مذکور که پول و سلاح خود را مستقیماً از عربستان سعودی دریافت می‌کند با به شهادت رساندن شماری از هواداران حزب الله لبنان تلاش کرد تا فتنه بزرگی را علیه این گروه مقاومتی ایجاد کند.

علیرغم آنچه که گفته شد، سناریوی مذکور نیز با صبر، درایت و حکمت حزب الله لبنان ناکام ماند و عربستان سعودی نتوانست از طریق عناصر دست نشانده خود در لبنان، این کشور را به تونل تاریک جنگ داخلی و به تبع آن «فروپاشی امنیتی» بکشانند.

سلسله ناکامی‌های گسترده ریاض در لبنان در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و امنیتی که بدان اشاره شد، مقامات سعودی را بر آن داشت تا خود به صورت مستقیم برای به زانو درآوردن لبنان و ضربه به مقاومت این کشور وارد عمل شوند. در این میان، همانطور که پیشتر گفته شد، آن‌ها اظهارنظر ساده «قرداحی» درباره جنگ یمن را دستاویزی برای اجرای سناریوی از پیش طراحی شده خود علیه بیروت قرار دادند.





شخصیتهای لبنانی در گفتگو با مهر:

عربستان به دنبال ایجاد خلأ سیاسی و حق و تو در مسائل لبنان است

سمیه خمارباقی: روز جمعه ۷ آبان ماه، عربستان سعودی سفیر خود از لبنان را فراخواند، سفیر لبنان در این کشور را اخراج و واردات تمام کالاها از لبنان را متوقف کرد. بهانه عربستان برای این اقدام انتشار ویدئویی از جورج قرداحی وزیر اطلاع رسانی لبنان بود که جنگ کشورهای عربی علیه یمن را محکوم کرده بود. این موضع گیری قرداحی یک ماه پیش از تصدی وزارت ایراد شده بود. علاوه بر این نه تنها اخباری از احتمال اتخاذ اقدامات شدیدتر ریاض علیه بیروت در روزهای پیش رو منتشر شده است بلکه همچنین برخی کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس به تبعیت از عربستان سعودی، سفرای خود از لبنان را فرا خواندند.



«جورج قرداحی» عصر روز یکشنبه ۹ آبان به هجمه های گسترده برای استعفای او از سمتش واکنش نشان داد. وی گفت: مسأله استعفای من از دولت مطرح نیست. این موضع گیری پس از آن اتخاذ شد که حتی برخی طرف های داخلی در لبنان از جمله جریان المستقبل نیز استعفای قرداحی و تمام اعضای کابینه را به دنبال بحران میان بیروت و ریاض، خواستار شده بودند.

دولت لبنان علیرغم عذرخواهی، وعده جبران، تعهد به پذیرش خواسته های عربستان و دعوت از طرف ثالث برای میانجی گری بین ریاض - بیروت تاکنون موفق نشده موضع تهاجمی عربستان را تغییر دهد. سوالات اساسی که مطرح می شود این است که آیا صرف اظهار نظر قرداحی سبب اتخاذ موضع تند عربستان علیه لبنان شده و آیا اساساً اقدامات عربستان با موضع جورج قرداحی تناسب دارد؟ اهداف عربستان از این میزان هجمه علیه اظهارات قرداحی به ویژه در شرایط کنونی چیست؟



«طراد حماده» وزیر کار سابق لبنان در رابطه با هجمه های اخیر عربستان سعودی علیه لبنان اظهار داشت: جورج قرداحی یک شخصیت رسانه ای ملی است که برنامه های وی در کشورهای عربی شهرت زیادی داشت. وی به معنای واقعی حامی محور مقاومت است و سخنان اخیر وی درخصوص جنگ یمن موضعی شجاعانه بود.

وی پیش از انتصاب خود به عنوان وزیر اطلاع رسانی کابینه نجیب میقاتی، در گفتگویی درخصوص جنگ یمن اعلام کرد که این جنگ، تجاوزی آشکار علیه یمن است و جنگی بیپایان به شمار می رود که عربستان سعودی و هم پیمانان آن چیزی جز شکست نصیبشان نشده است.

عربستان سعودی و به دنبال آن کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، از سخنان جورج قرداحی به تنگ آمدند و حملات دیپلماتیک و اقتصادی علیه لبنان به راه انداختند. علیرغم



اینکه دولت لبنان درباره مواضع قردادای توضیحاتی ارائه نمود، اقدامات ضد لبنانی عربستان سعودی و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس ادامه پیدا کرد تا جایی که حاکمیت لبنان و آزادی این کشور که به حمایت از مقاومت مشهور است را هدف قرار داد.

رایزنی هایی برای حل بحران کنونی لبنان و عربستان در حال انجام است اما به نظر می رسد ریاض سیاست عدوانی در پیش گرفته است و هجمه گسترده ای را علیه آزادی بیان، حزب الله، مقاومت اسلامی و هم پیمانان آن آغاز کرده است.

حماده خاطر نشان کرد: جورج قردادای تاکنون استعفا نداده است و موضع وی ثابت و پایدار است و سخنان وی درباره تجاوز سعودی به یمن نوعی پیروزی محسوب می شود. مشکل این است که تنش اخیر میان عربستان سعودی و لبنان بر روند دولت نجیب میقاتی تأثیر می گذارد به ویژه اینکه در فرصت باقی مانده تا انتخابات، جایگزینی برای میقاتی وجود ندارد.

اوضاع لبنان اکنون به لحاظ اقتصادی، امنیتی و مالی اصلاً خوب نیست و عربستان سعودی می خواهد از این طریق لبنان را درگیر بحران های بیشتر کند و ملت لبنان را درگیر محاصره هر چه تمام تر و گرسنگی کند. لبنان هرگز پیرو کسی نیست و هرگز تسلیم نخواهد شد. جورج قردادای سمبل عربی، منطقه ای و بین المللی در نمایان کردن تجاوز سعودی به یمن است.

هدف عربستان سعودی از اقدامات کنونی، فشار به حزب الله لبنان به خاطر حمایت از یمن است و هدف دیگر سرپوش گذاشتن سعودی بر ناکامی های خود در نبرد یمن است چرا که دیگر چیزی تا آزادسازی کامل استان مأرب باقی نمانده است. مارب آزاد خواهد شد و قردادای به عنوان یکی از قهرمانان دفاع از حق در برابر تجاوزگری و استبداد شناخته خواهد شد.



«ناصر قندیل» تحلیلگر لبنانی نیز در این رابطه اظهار داشت: تنش های اخیر در روابط عربستان و لبنان ارتباطی به اظهارات وزیر اطلاع رسانی لبنان ندارد بلکه یک موضوع سرنوشت ساز است که هدف از آن تلاش برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی و منحرف کردن افکار عمومی در رابطه با جنگ یمن است.

وی خاطر نشان کرد که هدف از اقدامات اخیر عربستان، تحت فشار گذاشتن لبنان و استعفای دولت نجیب میقاتی است. منافع عربستان سعودی در این است که لبنان بدون دولت باشد و دچار خلأ سیاسی شود و همچنین انتخابات پارلمانی در این کشور برگزار نشود چرا که در این شرایط سعودی ها می توانند در مسائل سیاسی لبنان و تصمیم گیری ها حق و تو داشته باشند. نفع عربستان سعودی در این است که لبنان درگیر بحران، فتنه، هرج و مرج و فروپاشی شود.



«طلال عترسی» تحلیلگر مسائل خاورمیانه و رئیس مرکز مطالعات سیاسی دانشگاه لبنان نیز در این زمینه اظهار داشت: آنچه جورج قردادای درباره بیهوده بودن جنگ یمن بر زبان آورد، برای اولین بار نیست که مطرح می شود، در سال ۲۰۱۷ نیز هنگامی که قطری ها با سعودی ها دچار اختلاف بودند و این قضیه به بحران دوحه و محاصره آن منجر شد، مسئولان قطر مشابه چنین سخنانی را درباره جنگ یمن مطرح کردند. علاوه بر این ولید جنبلاط نیز در یکی از گفتگوهای خود حدود دو یا سه سال پیش اعلام کرد که جنگ یمن بیهوده است. بنابراین توصیف جنگ یمن و بیهوده بودن آن موضوع جدیدی نیست که برای اولین از سوی جورج قردادای مطرح شده باشد.

اقدامات ضد لبنانی اخیر عربستان که در پی سخنان جورج قردادای صورت می گیرد، به نوعی بهانه جویی و انتقام جویی از وضعیت کنونی لبنان است زیرا عربستان دارای اهداف مختلفی در لبنان است که محقق نشده است. عربستان سعودی نمی خواهد در لبنان دولت تشکیل شود همانطور که حدود یک سال به سعد الحریری اجازه تشکیل دولت نداد.

دولت جدید به ریاست نجیب میقاتی با حمایت فرانسه، ایران و دیگر طرف های منطقه ای شکل گرفت اما عربستان سعودی با آن موافق نبود. عربستان در پی هرج و مرج، بی ثباتی و تداوم فشارهای اقتصادی به لبنان است تا این کشور به فروپاشی برسد.

مجله بین الملل مهر



 mehrnewsar
MehrnewsEn

 mehrnewsarabic
MehrnewsCom

 ar.mehrnews